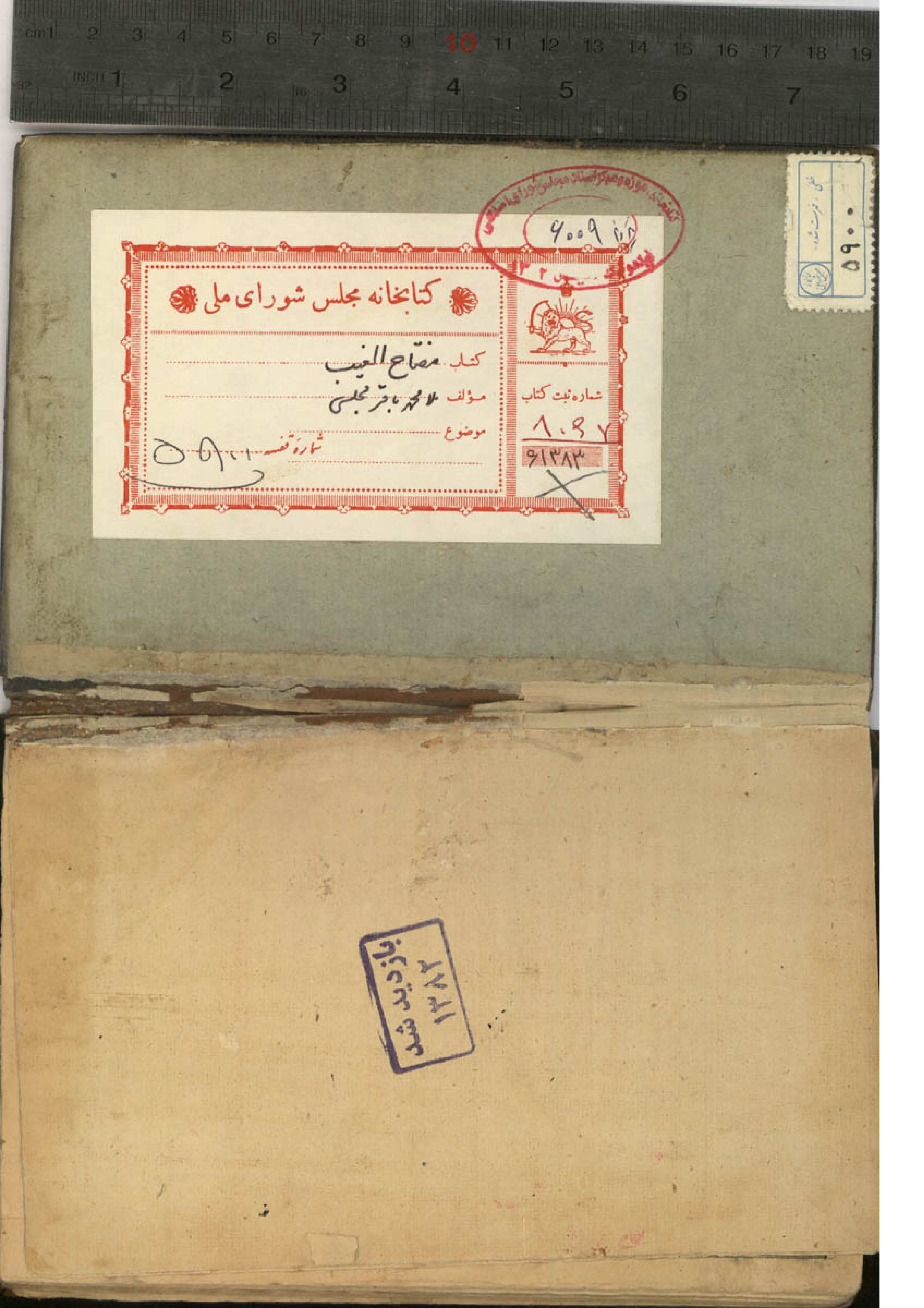
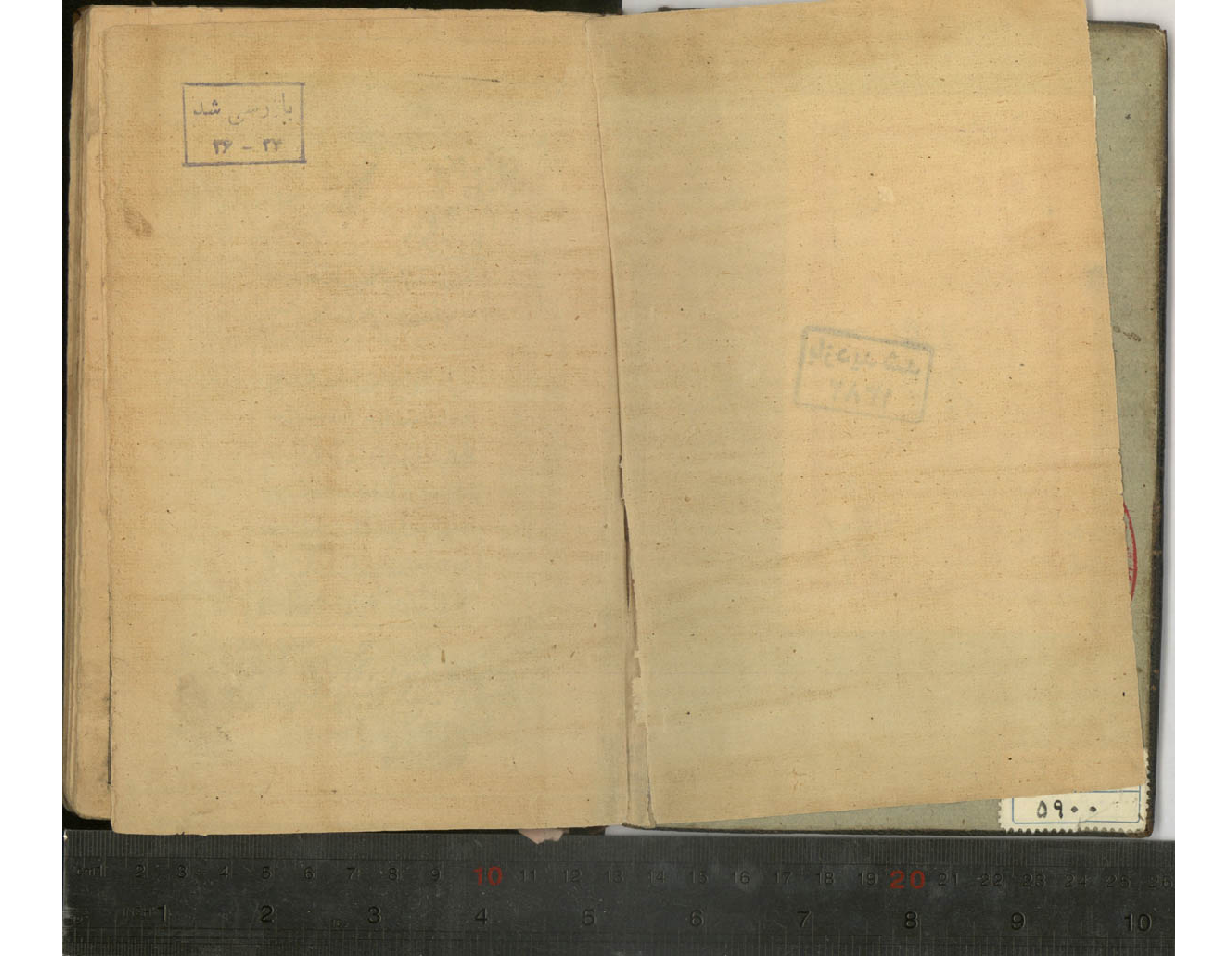


کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب مفتاح الغیب
مؤلف ملا محمد باقر مجلسی
موضوع
شماره قفسه
شماره ثبت کتاب
۶۱۳۸۳
خطی - فهرست شده
۵۹۰۰
بازدید شد
۱۳۸۲


بازرسی شد
۳۴ - ۳۶
۵۹۰۰



نسخه مفتاح الغیب از تصانیف
خاتم المجتهدین مولانا محمد باقر

در باب انواع استخارات که از دو
[ا]زده امام صلوات الله وسلامه
علیهم نقل شده وبسیار مجربست
وهر وقت که خواسته باشند که
استخاره نمایند کتاب را ملاحظه
نموده استخاره نمایند والسلام
علی من اتبع الهدی



مفتاح الغيب از تصانيف ملا محمد باقر مجلسى در باب استخارات

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي لا يعلم خير عباده سواه ومن
استخاره هداه ومن استشاره كفاه ومن
استجاره آواه والصلوة على خير من استجابه
الله ولبّاه محمد واهل بيته الذين من والاهم
كانت الجنة مأواه ومن عاداهم فالنار مثواه
وبعد مستمد فيوض قدسى محمد باقر مجلسى عفى

الله عن سيئاته وحشره مع مواليه وساداته
برالواح ارواح برادران ايمانى وسالكان
مسالك قرب يزدانى مينگارد كه چون اخبار
متكاثره واحاديث متضافره از حضرت رسالت
پناه وعترت طاهره صلوات الله عليه وعليهم
اجمعين در فضيلت استخاره واستشاره از جناب
مقدس رب الارباب وبيان انواع ان منظر
قاصر اين بى بضاعت رسيده بود واكثر خلق را
اطلاع بر انها ميسر نبود وباين سبب از فوايد
وبركات ان محروم بودند لهذا در اين رساله
كه بر فاتحه وهشت مفتاح بعدد ابواب جنان

وخاتمه مشتمل است اخبار و آثار معتبره که در
این باب وارد شده ایراد نموده و بمفتاح الغیب
مسمی گردانید مستمد من الله المعونة وهو حسبی
ونعم الوکیل مقدمه در بیان فضیلت استخاره
است بدانکه استخاره در لغت طلب خیر و
راهنمائی بصلاح خود از کسی نمودنست و
استشاره نیز مراجعت بکسی کردنست در امری که
آدمی را در آن ترددی باشد تا آنکه او اشاره
کند بامری که صلاح اینکس در آنست بمقتضای
رأی او و اگرچه استشاره از برادران مؤمن
نیز مطلوبست چنانچه بعد از این اشاره بآن

خواهد شد اما مقصود اصلی در اینمقام طلب
خیر از جناب مقدس الهی است و رجحان آن بحسب
عقل و نقل معلوم است چه ظاهر است که
صانع عالم بمصالح دنیا و عقبای بنی آدم از
همه کس داناتر است و با لطف و کرم نامتناهی
و بی نیازی از خلق و قدرت بر جمیع امور ممکنه
در آنچه صلاح بندگان در آنست ضنت و
بخل نمینماید خصوصاً وقتی که بنده امور خود را
باو گذارد و از او صلاح خود را طلب نماید پس
باید که بنده خیر خود را در جمیع امور از پروردگار
خود طلب نماید و مصلحت خود را بلطف او

کذارد و ایضا معلوم است که مقتضای بندکی
وکمال مرتبه عبودیت انست که مرادات و ارادات
خود را تابع ارادات حق کرداند بمقتضای و ما
تشاؤن الا ان یشاء الله از مشیت خود خالی
کردد و خواهش خداوند خود را بر خواهش خود
مقدم دارد تا انکه خداوند رحیم اورا بخود
نکذارد و در هر میسور و معسور مدبر امور
او کردد و بفحوای و من یتوکل علی الله فهو حسبه
حق تعالی کافی مهمات و باشد و این مرتبه
اعلای درجات مقربانست و بسندهای معتبر بسیار
شیخ مفید و سید بن طاوس و دیکران از

حضرت

حضرت امام جعفر صادق علیه السلم روایت
کرده اند که حق تعالی میفرماید که از جمله شقاوت
بنده من انست که کارها کند و طلب خیر خود از
من ننماید و بسند قوی بسندهای معتبر از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که در
امری بدون استخاره داخل شود و ببلائی مبتلا
شود خدا او را در آن بلا اجری ندهد و بسند
بسند معتبر از انحضرت روایت کرده است که
میکفت که هرکاه در امری طلب خیر از حق تعالی
کرده باشم پروا ندارم که براحت افتم یا ببلا و فرمود
که پدرم مرا تعلیم استخاره مینمود چنانچه

سوره‌های قرآن مرا تعلیم مینمود و ایضاً از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که ما استخاره را یاد میگرفتیم چنانچه سوره‌های قرآن را می‌آموختیم و ایضاً بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هیچ بنده طلب خیر از خداوند نکرده است مگر آنکه خیر او را برای او میسر گردانیده است هرچند او نخواهد و شیخ طوسی بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلم روایت کرده است که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرا بیمن فرستاد مرا وصیت کرد که یا علی حیران نمیشود کسی که از خدا استخاره کند

و پشیمان نمیشود کسی که با مردم مشورت کند و باید که بعد از طلب خیر از حق تعالی باید که هر امری که رخ نماید بآن راضی باشد و بداند که خیر او در آن بوده است که واقع شده است هرچند در نظر او بد نماید و موافق خواهش او نباشد و برقی در محاسن بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلم روایت کرده است که دشمن‌ترین خلق نزد خدا کسی است که خدا را متهم دارد راوی گفت کسی باشد که خدا را متهم دارد فرمود که بلی کسی که طلب خیر از خداوند خود بکند و بعد از آن امری که واقع شود بآن راضی نباشد پس خدا را در خیرخواهی خود را با ذا نستن

خیر او متهم داشته وسید ابن طاوس از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده است که خداوند عالم
میفرماید که هر که راضی بقضای من نباشد وشکر
نعمتهای من نکند وشکیبائی در بلای من بعمل
نیاورد پس پروردگاری بغیر من طلب کند و
هر که بقضای من راضی باشد وبر نعمتهای من شکر
کند وبر بلای من صبر کند بنویسم اورا از جمله
صدیقان نزد خود وحضرت فرمود که هر کس
طلب خیر کند از خدا در امری ویکی از دو امر
برای او بعمل آید ودر دلش چیزی بوده باشد
یعنی از عدم خوشنودی با خیر بودن آن امر

پس او خدا را متهم داشته در قضای او وکلینی
بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده است که داناترین مردم بخدا کسی است که راضی
تر باشد بقضای او وبسند صحیح دیگر از حضرت امام
زین العابدین علیه السلام روایت کرده است که
صبر کردن واز خدا راضی بودن سر طاعت و
بندگی خدا است وهر که صبر کند در بلا وراضی باشد
از خدا در هر چه برای او حکم کند ومقدر گرداند
خواه موافق خواهش او باشد وخواه نباشد پس
خدا مقدر نمیگرداند برای او مگر آنچه خیر او
در آنست خواه دوست دارد وخواه مکروه او باشد

وبدانکه استخاره چند نوع است اول انکه در هر
امری که اراده نماید بجناب مقدس الهی متوسل
شود وخیر خود را در ان امر از حق تعالی طلب نماید
وبعد از ان انچه رو دهد بان راضی باشد از میسر
شدن ان امر یا میسر نشدن واز مصالح ومفاسد
که بر شدن یا نشدن ان مترتب شود زیرا که چون
امر خود را بعالم الخفیات تفویض کرده است باید
که راضی باشد بهرچه واقع میشود وبداند که حق تعالی
خیر او را بهتر از او میداند دویم انکه بعد از انکه
طلب خیر از خدا بکند در دل خود نظر کند و
انچه بخاطر او می اید بان عمل کند سیم انکه

بعد از طلب خیر مشورت کند با مؤمنی وبانچه ان
مؤمن میگوید عمل کند چهارم انکه استخاره بقران
مجید یا بتسبیح یا ببنادق یا برقاع بکند بتفصیلی
که مذکور خواهد شد انشاء الله واکثر احادیث
استخاره دلالت بر قسم اول میکند وبعضی از
علمای ما مانند شیخ مفید وابن ادریس ومحقق
رضوان الله علیهم در جواز استخاره بغیر سه قسم
اول تردد وتامل کرده اند بلکه ابن ادریس ترجیح
عدم جواز داده اما اکثر اعاظم علما تجویز کرده اند
ومستحسن دانسته اند ودر کتب فقه ودعا کیفیت
انواع استخارات را ذکر کرده اند وشیخ شهید وسید ابن

طاوس علیهما الرحمة طعن بسیار بر انکار ابن ادریس
رحمه الله نموده اند و حق انست که چون احادیث
در باب هر یک واقع شده انکار نمیتوان کرد
اما عمده استخاره ان سه شق اولست که درین
زمانها متروک کشت مفتاح اول در بیان نوع اول
است یعنی استخاره مطلقه سید علی ابن طاوس
بسند صحیح روایت کرده است از ابن ابی یعقوب
که گفت شنیدم از حضرت صادق علیه السلم
که میفرمود در بیان کیفیت استخاره که تعظیم
و تمجید و حمد خدا میکنی و صلوات بر محمد و آل
او میفرستی پس میگوئی اللهم انی اسالك بانك

عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم وانت
علام الغیوب استخیر الله برحمته پس حضرت
فرمود که اگر امر سختی باشد که بیم زیان داشته
باشی صد مرتبه بگو و اگر امر سهلی باشد سه
مرتبه بگو مولف گوید که ظاهر انست که تکرار صد بار
و سه بار در استخیر الله برحمته باشد و اگر از اول
دعا مکرر بخواند شاید بهتر باشد و اگر پیش از دعا
بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم و بعد از ان دعا را بخواند شاید بهتر باشد
وایضا بسندهای معتبر از حضرت صادق ع

روایت کرده است که هر که یکمرتبه خیر خود را
از خدا بطلبد و او راضی باشد بهرچه خدا از
از برای او میسر گرداند البته حق تعالی آنچه
خیر اوست برای او میسر گرداند و بسند معتبر
دیگر روایت کرده است که محمد طیار بخدمت
حضرت صادق علیه السلم عرض کرد که بما
رسیده است که شما فرموده اید که هر که در امری
صد مرتبه خیر خود را از خدا بطلبد البته
خدا خیر او را بنزد او بیاورد حضرت فرمود که
اگر یکنوبت نیز خیر خود را بطلبد البته خدا او
را بخیر رساند و باسناد صحیح روایت کرده است

از حضرت امام محمد باقر علیه السلم که طلب خیر
در هر رکعت از رکعات نافله نماز پیشین کردن
خوبست مؤلف گوید که شاید مراد طلبیدن در
سجده باشد و در مکارم الاخلاق و کتاب من
لا یحضر از حضرت صادق علیه السلم روایت
کرده اند که در استخاره باید که طلب خیر خود
کند از خداوند عالمیان در سجده آخر نافله
صبح صد و یکمرتبه باین نحو بگوید الحمد لله رب
العالمین اللهم صل علی محمد و آله پس پنجاه
مرتبه بگوید استخیر الله برحمته پس باز حمد و
صلوات را اعاده کند و پنجاه و یک مرتبه بگو

أستخير الله برحمته ومفيد رضى الله عنه اين روايت
را نقل كرده است وكفته است كه بعد از آن
ميكويد اللهم يا ابصر الناظرين ويا اسمع السامعين
ويا اسرع الحاسبين ويا ارحم الراحمين صل
على محمد وآله وخر لي في الامر الذي اردت
واكر تواند بعربي حاجت خود را ذكر كند وباز
ميكويد لا اله الا الله العلي العظيم لا اله
الا الله الحليم الكريم رب بحرمة محمد
وآله صل على محمد وآله وخر لي في الامر
الذي اردت في الدنيا والآخرة خيرة في
عافية وباز اكر تواند حاجت خود را ذكر كند

بجاى في الامر الذي اردت ودر مكارم الاخلاق
از حضرت امير المؤمنين صلوات الله عليه
روايت كرده است در كيفيت استخاره كه دو
ركعت نماز ميكذارد وبعد از نماز صد مرتبه
ميكويد استخير الله پس ميكويد اللهم اني قد
هممت بامر قد علمته فان كنت تعلم انه خير
لي في ديني ودنياي وآخرتي فيسره لي وان
كنت تعلم انه شر لي في ديني ودنياي وآخرتي
فاصرفه عني كرهت نفسي ذلك ام احبت فانك
تعلم ولا اعلم وانت علام الغيوب پس عزم
ميكند بر امري كه اراده كرده است وايضا روايت

کرده است که مردی آمد بخدمت حضرت صادق
علیه السلام و گفت فدای تو شوم گاه هست
که کاری را میکنم و بعد از آن پشیمان میشوم حضرت
فرمود که چرا استخاره نمیکنی گفت فدای تو شوم
چگونه استخاره کنم فرمود که چون نماز صبح را کردی
دست را بلند کن برابر روی خود و بگو اللهم
انک تعلم و لا اعلم و انت علام الغیوب فصل
علی محمد و آل محمد و خر لی فی جمیع ما عزمت به
من اموری خیار برکة و عافیة و ایضا از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است
که چون حضرت علی بن الحسین صلوات الله

علیه اراده حجی یا عمره یا بنده آزاد کردنی یا خریدنی
یا فروختنی میکرد وضو میساخت و دو رکعت
اول بعد از فاتحه سورهء الرحمن و در دویم سوره
حشر میخواند و بعد از نماز دویست مرتبه طلب
خیر از خدا میکرد یعنی میگفت استخیر الله یا
استخیر الله برحمته خیرة فی عافیة پس سوره
قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ
برب الناس میخواند پس میگفت اللهم انی
قد هممت بامر قد علمته فان کنت تعلم انه
خیر لی فی دینی و دنیای و آخرتی فاقدره لی
و ان کنت تعلم انه شر لی فی دینی و دنیای و

اخرجنی فاصرفه عنی رب اعزم لی علی رشدی
وان کرهت او احببت ذلک نفسی بسم الله الرحمن
الرحیم ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله
حسبی الله و نعم الوکیل پس متوجه آن امر میشد
وعزم بر آن مینمود وسید ابن طاوس رضی الله عنه
بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده است که هرگاه کسی مطلبی از پروردگار
خود خواهد طلب نماید باید که دد ازو بر شصت
مسکین تصدق کند و هر مسکین را یک صاع
گندم بدهد بصاع حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و چون شب شود در ثلث آخر

شب غسل کند و جامه کنده که پست ترین
عیالش پوشند بپوشد و بعوض زیر جامه
لنگی ببندد پس دو رکعت نماز بجا آورد و چون
در رکعت دویم بسجده اول برود لا اله الا
الله بگوید و خدا را بعظمت و بزرگواری یاد
کند و دور نیست که اگر بعد از ذکر سجود تسبیحات
اربع ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
بگوید خوب باشد پس گناهان خود را آنچه
در خاطر داشته یاد کند و طلب مغفرت و آ
مرزش بکند و اگر مجمل بگوید اللهم اغفر لی
ما تعلم من ذنوبی شاید بد نباشد پس فرمود

که چون سر بسجدهٔ دویم بگذارد صد مرتبه **بگوید**
اللّهم انّی استخیرک پس هر حاجت که دارد از خدا
بطلبد و هر مرتبه که بسجده رود لنگ را از زانو
دور کند که زانو بر زمین برسد و عقب لنگ
را نیز میان ساقها و رانها داخل کند که مجموع
زانوها و قدمهایش بخاک برسد **و علی ابن ابراهیم**
در تفسیر و حمیری در قرب الاسناد روایت کرده اند
از علی بن اسباط که گفت رفتم بخدمت حضرت
امام رضا علیه السلام و گفتم میخواهم بسفر مصر
بروم و نمیدانم از راه دریا بروم یا از راه صحرا
حضرت فرمود که برو بمسجد حضرت رسول صلّی الله

علیه

علیه و آله در غیر وقت نماز واجب
دو رکعت نماز بجا آور و بعد از آن صد
و یکمرتبه **بگو** استخیر الله **و بروایت** حمیری
صد مرتبه بگو **و ایضاً** حمیری بسند صحیح
از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده است که هر که در بالای سر مرقد
منوّر حضرت امام حسین صلوات الله علیه
صد مرتبه طلب خیر از خدا بکند پس حمد
و تهلیل و تسبیح و تمجید و ثنا کند خدا را
البته خدا خیر او را برای او میسّر گرداند
یا در دل او بیندازد **مؤلف گوید** که اگر چنین بگوید

أستخير الله برحمته خيرة في عافية صد

مرتبه پس بگوید لا إله إلا الله الحليم الكريم

وسبحان الله والحمد لله رب العالمين

ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي

العظيم شاید عمل بحدیث کرده باشد پس

صلوات بفرستد وطلب خیر خود از خدا

بکند ودعائی که بعد از این مذکور میشود بخواند

چنانچه در همین حدیث صحیح مذکور است

که راوی گفت که شنیدم از حضرت صادق علیه

السلام که در استخاره این دعا میخواندند اللهم إني

أسألك بعلمك وأستخيرك بعزتك وأسألك

من فضلك العظيم وأنت أعلم بعواقب الأمور

إن كان هذا الأمر خيرا لي في ديني ودنياي

وآخرتي فيسره لي وبارك لي فيه وأعني عليه

وإن كان شرا فاصرفه عني واقض لي الخير

بالخير حيث ما كان

حيث كان ورضني به حتى لا أحب تعجيل ما

أخرت وما تأخير ما عجلت وکلینی وشیخ بسند

صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند

که دو رکعت نماز بکن وطلب خیر خود از حق تعالی

بکن پس بخدا سوگند یاد میکنم که هیچ مسلمان طلب

خیر از خدا نمیکند مگر آنکه البته آنچه خیر اوست

خدا برای او آورد وابن بابویه وشیخ طوسی و

دیگر این بسند معتبر از حضرت صادق علیه
السلم روایت کرده اند که هر که هفتاد مرتبه
این دعا را بتراخی طلب خیر از خدا بخواند البته
خدا انچه خیر اوست برای او مقدر میکرداند
دعا اینست یا ابصر الناظرین و یا اسمع السامعین
و یا اسرع الحاسبین و یا ارحم الراحمین و
یا احکم الحاکمین صل علی محمد و اهل بیته
و خر لی فی الامر الذی اردت و در مکارم الاخلاق
همین روایت را نقل کرده و در اخرش گفته است
که پس برو بسجده و صد مرتبه بگو استخیر الله
برحمته استقدر الله فی عافیة بقدرته پس

خدا انچه خیر اوست

متوجه ان کار بشو که هر چه رو میدهد خیر تو
در ان است و متهم مدار پروردگار خود را در
انچه برای تو مقدر کند و بدانکه خیر تو البته
در انست و شیخ رحمه الله بسند معتبر از امام
محمد باقر علیه السلم روایت کرده است که حضرت
امام زین العابدین علیه السلم هر گاه اراده
امری میکردند مانند حج یا عمره یا فروختن یا خریدن
یا بنده ازاد کردن وضو میساختند و دو رکعت
نماز استخاره میکردند و در ان دو رکعت سوره
حشر و سوره رحمان میخواندند پس قل اعوذ برب
الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله

احد میخوانند پس این دعا میخوانند اللهم ان
کان الامر الذی اردت خیرا لی فی دینی و
دنیای و آخرتی و عاجل امری و آجله فیسره
لی علی احسن الوجوه و اجملها و ان کان الامر
الذی اردت شرا لی فی دینی و دنیای و آخرتی
و عاجل امری و آجله فاصرفه عنی علی احسن
الوجوه ربا غرم لی علی رشدی و ان کرهته
ذلک نفسی و برقی و سید نیز این روایت را نقل
کرده اند و در دعا اختصاری کرده اند لهذا
روایت شیخ را اختیار کردیم و ابن بابویه و شیخ
و دیگران رضی الله عنهم بسند حسن از حضرت

و اکملها

او ابته

صادق علیه السلم روایت کرده اند که هرگاه
یکی از شما اراده کاری بکند پس دو رکعت نماز
بکند پس حمد کند خدا را و ثنا گوید بر او و
صلوات فرستد بر محمد و آل او و بگوید اللهم
ان کان هذا الامر خیرا لی فی دینی و دنیای
فیسره لی و قدره لی و ان کان غیر ذلک
فاصرفه عنی راوی پرسید که چه سوره در این دو
رکعت بخوانم فرمود که هر سوره که خواهی و اگر
خواهی قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون
بخوان و قل هو الله احد در ثواب برابر است
با ثلث قران و ایضا ابن بابویه و سید رحمه الله

علیهما روایت کرده است که محمد بن خالد
قسری از حضرت صادق علیه السلام سؤال
کرد از طریق استخاره فرمود که در آخر رکعتهای
نماز شب در سجده صد و یک مرتبه بگو استخیر
الله برحمته و بروایت دیگر صد مرتبه و بسند
معتبر دیگر روایت کرده اند که هرگاه حضرت
صادق علیه السلام اراده میفرمودند که غلامی
یا چهارپائی بخرند یا امر آسانی یا حاجت سبکی
داشتند برای آن هفت مرتبه طلب خیر از
حق تعالی میکردند و اگر امر عظیمی اراده میکردند
صد مرتبه طلب خیر میکردند و اقلش استخیر الله

برحمته است و در قرب الاسناد بسند معتبر از حضرت
امام موسی علیه السلام روایت کرده است که
مردی بخدمت آنحضرت آمد و گفت فدای تو
شوم میخواهم بسفری بروم و میخواهم مرا استخاره
تعلیم نمائی که اگر خیر من در این سفر باشد خدا
برای من میسر گرداند و اگر برای من شر باشد
از من بگرداند حضرت فرمود که میخواهی باین سفر
بروی گفت آری فرمود که این دعا را بخوان تا
برای تو خیر شود اللهم قدر لی ما اردت واجعله
خیرا لی فانک تقدر علی ذلک و سید ابن طاوس
رضی الله عنه از حضرت صادق علیه السلام

روایت کرده است که بعد از نماز استخاره این
دعا بخوانند اللهم انک خلقت اقواما یلجؤن
الی مطالع النجوم لاوقات حرکاتهم وسکونهم
وتصرفهم وعقدهم وحلهم وخلقتنی ابرأ
الیک من اللجأ الیها ومن طلب الاختیارات
بها وایقن انک لم تطلع احدا علی غیبک
فی مواقعها ولم تسهل له السبیل الی تحصیل
افاعیلها وانک قادر علی نقلها فی مداراتها
فی مسیرها عن السعود العامة والخاصة
الی النحوس الشاملة والمفردة الی السعود
لانک تمحو ما تشاء وتثبت وعندک ام الکتاب

ایقن

سیرها

لانها خلق من خلقک وصنعة من صنیعک
وما اسعد من اعتمد علی مخلوق مثله
واستمد الاختیار لنفسه وهم اولئک و
لا اشقی من اعتمد علی الخالق الذی انت
هو لا اله الا انت وحدک لا شریک لک
واسألک بما تملکه وتقدر علیه وانت به
ملیّ وعنه غنی والیه غیر محتاج وبه
غیر مکترث من الخیرة الجامعة للسلامة و
العافیة والغنیمة لعبدک من حدث الدنیا
التی الیک فیها ضرورته لمعاشه ومن خیرات
الآخرة التی علیک فیها معوّله وانا هو

عبدك اللهم فتولّ يا مولاي اختيار خير
الاوقات بحركتي وسكوني ونقضي وابرامي
وسيري وحلولي وعقدي وحلّي واشدد
بتوفيقك عزمي وسدد فيه رايي واقذفه
في فؤادي حتى لا يتاخر ولا يتقدم وقته
عني وابرمن من قدرتك كل نحس يعرض بحاجز
حتم من قضائك يحول بيني وبينه ويباعده
مني ويباعدني منه في ديني ونفسي وما لي وولدي
واخواني واعذني به من الاولاد والاموال
والبهائم والاعراض وما احضره وما اغيب
عنه وما استصحبه وما اخلفه وحصني من

واثر من

كل ذلك بعياذك من الافات والعاهات
والبليات ومن التغيير والتبديل والنقمات
والمثلات ومن كلمتك الخالقة ومن جميع
المخوفات ومن سوء القضاء ومن درك الشقاء
ومن شماتة الاعداء ومن الخطاء والزلل
في قولي وفعلي وملكني الصواب فيهما بلا
حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم بلا حول
ولا قوة الا بالله الحليم الكريم بلا حول ولا
قوة الا بالله العزيز العظيم بلا حول ولا قوة
الا بالله حرزي وعسكري بلا حول ولا قوة
الا بالله سلطاني ومقدرتي بلا حول ولا

المخلوقات

العليم

قوة الا بالله عزي ومنعتي اللهم انت العالم
بجوائل فكري وجوائس صدري ولا يترجح في
الاقدام عليه والاحجام عنه مكنون ضميري
وسري وانا فيه بين حالين خير ارجوه وشر
اتقيه وسهو يحيط بي ودين احوطه فان
اصابتني الخيرة التي انت خالقها لتهبها لي
لاحاجة بك اليها بل بجود منك علي بها
غنمت وسلمت وان اخطاتني خسرت وعطبت
اللهم فارشدني منه الى مرضاتك وطاعتك
واسعدني فيه بتوفيقك وعصمتك واقض
بالخير والعافية والسلامة التامة الشاملة

الدائمة لي فيه حتم اقضيتك ونافذ عزمك
ومشيتك واني ابرء اليك من العلم بالاوفق
من مباديه وعواقبه وفواتحه وخواتمه و
مسالمه ومعاطبه ومن القدرة عليه واقر
انه لا عالم ولا قادر على سداده سواك فانا
استهديك واستعينك واستقضيك و
استكفيك وادعوك وارجوك وما تاه من
استهداك ولا ضل من استفتاك ولا دهي
من استكفاك ولا حال من دعاك ولا اخفق
من رجاك فكن لي عند احسن ظنوني واما لي
فيك يا ذا الجلال والاكرام انك على كل شيء

الي
بالاوفق
مفاتحه
واستفتيك

قدیر و استنهضت لمهمی هذا و لکل مهم
اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم
بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین
الرحمن الرحیم مالک یوم الدین ایاک نعبد
و ایاک نستعین اهدنا الصراط المستقیم
صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب
علیهم و لا الضالین قل اعوذ برب الناس
ملک الناس اله الناس من شر الوسواس
الخناس الذی یوسوس فی صدور الناس
من الجنة و الناس قل اعوذ برب الفلق
من شر ما خلق و من شر غاسق اذا وقب و من

شر

شر النفاثات فی العقد و من شر حاسد اذا
حسد قل هو الله احد الله الصمد لم
یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد
پس بخوان سوره تبارک الذی بیده الملک
تا آخر سوره پس بگو و اذا قرات القران جعلنا
بینک و بین الذین لا یؤمنون بالآخرة حجابا
مستورا و جعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه
و فی آذانهم وقرا و اذا ذکرت ربک فی القران
وحده ولوا علی ادبارهم نفورا اولئک هم
الغافلون افرایت من اتخذ الهه هواه و
اضله الله علی علم و ختم علی سمعه و قلبه

وجعل على بصره غشاوة فمن يهديه من بعد
الله افلا تذكرون ومن اظلم ممن ذكر
بايات ربه فاعرض عنها ونسى ما قدمت يداه
انا جعلنا على قلوبهم اكنة ان يفقهوه و
فى اذانهم وقرا وان تدعهم الى الهدى فلن
يهتدوا اذا ابدا الذين قال لهم الناس
ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم
ايمانا وقالوا حسبنا الله ونعم الوكيل فانقلبوا
بنعمة من الله وفضل لم يمسسهم سوء واتبعوا
رضوان الله والله ذو فضل عظيم فاضرب لهم
طريقا فى البحر يبسا لاتخاف دركا ولاتخشى

لاتخافا اننى معكما اسمع وارى والمنضهت
لمهمى هذا ولكل مهم اسماء الله العظام
وكلماته التوام وفواتح سور القران و
خواتيمها ومحكماتها وقوارعها وكل عوذة
تعوذ بها نبى اوصديق حم شاهت الوجوه
وجوه اعدائى فهم لايبصرون وحسبى الله
ثقة وعدة ونعم الوكيل والحمد لله رب
العالمين وصلواته على سيدنا محمد رسوله
واله الطاهرين مؤلف گويد كه اگر در ابتداى
سور معوذتين وقل هو الله نيز بسم الله الرحمن
الرحيم را اعاده كند شايد بد نباشد واز فحواى

دعا ظاهر میشود که از برای دفع شر اعادی نیز
این دعا را خواندن مناسبست **وایضا** سید رضی
الله عنه بسند معتبر روایت کرده است از حضرت
امام رضا علیه السلم که روایت کرد از پدرش
از حضرت امام جعفر صلوات الله علیهما که
اید دعا را بخواند در کاری که اراده کند نبیند
در عاقبت ان کار مگر انچه خواهد دوست دارد
و دعا اینست اللهم خیرتك تنیل الرغائب وتجزل
المواهب وتطیب المکاسب وتغنم المطالب
وتهدی الی احمد العواقب وتقی من محذور
النوائب اللهم انی استخیرك فیما عقد علیه

رایی وقادنی الیه هوای فاسالك یا رب ان
تسهل لی من ذلك ما تعسر وان تعجل من ذلك
ما تیسر وان تعطینی یا رب الظفر فیما استخرتك
فیه وعونا بالانعام فیما دعوتك وان تجعل
یا رب بعده قربا وخوفه امنا ومحذوره سلما
فانك تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر و
انت علام الغیوب اللهم ان یکن هذا الامر
خیرا لی فی عاجل الدنیا واجل الاخرة فسهله
لی ویسره علی وان لم یکن فاصرفه عنی
واقدر لی فیه الخیرة انك علی کل شیء قدیر
یا ارحم الراحمین **وایضا** سید رحمه الله روایت

کرده است محمد بن مظفر که اخر فرمانی که از
حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه بیرون
امد این دعای استخاره بود که باید بان عمل کنند
و در نمازهای حاجت نیز میتوانند خواندن
و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی
اسالك باسمك الذی عزمت به علی السموات
والارض فقلت لهما ائتیا طوعا او کرها
قالتا اتینا طائعین وباسمك الذی عزمت
به علی عصا موسی فاذا هی تلقف ما یافکون
واسئلك باسمك الذی صرفت به قلوب
السحرة الیك حتی قالوا امنا برب العالمین

رب موسی وهرون انت الله رب العالمین و
اسالك بالقدرة التی تبلی بها کل جدید و
تجدد بها کل بال واسئلك بکل حق
هو لك وبکل حق جعلته علیك ان
کان هذا الامر خیرا لی فی دینی ودنیای و
اخرتی ان تصلی علی محمد وال محمد وتسلم
علیهم تسلیما وتهیئه لی وتسهله علی و
تلطف لی فیه برحمتك یا ارحم الراحمین و
ان کان شرا لی فی دینی ودنیای واخرتی ان
تصلی علی محمد وال محمد وتسلم علیهم تسلیما
وان تصرفه عنی بما شئت وکیف شئت و

والِه

تو ضینی بقضائک وتبارک لی فی قدرک حتی
لا احب تعجیل شیء اخرته ولا تاخیر شیء
عجلته فانه لا حول ولا قوة الا بک یا علی
یا عظیم یا ذا الجلال والاکرام وشیخ طوسی
علیه الرحمه در مجالس روایت کرده است از امام
علی النقی علیه السلام که حضرت صادق علیه
السلام فرمود که پدرم صلوات الله علیه در
استخاره این دعا را میخواند اللهم ان خیرتک
تنیل الرغائب وتجزل المواهب وتغنم
المطالب وتطیب المکاسب وتهدی الی
احمد العواقب وتقی محذور النوائب اللهم

یا مالک

یا مالک الملوک استخیرک فیما عزم رأیی علیه
وقادنی هوای الیه فسهل من ذلک ما توعر
ویسر منه ما تعسر واکفنی فی استخارتی المهم
وادفع عنی کل ملم واجعل عاقبة امری
غنما ومحذوره سلما وبعده قربا وجدبه
خصبا اعطنی یا رب لواء الظفر فیما استخرتک
فیه وقرّ بالانعام فیما دعوتک له ومن
علی بالافضال فیما رجوتک فانک تعلم
ولا اعلم وتقدر ولا اقدر وانت علام
الغیوب وشیخ کفعمی رحمه الله علیه در کتاب
بلد الامین از حضرت امام رضا صلوات الله

یا مولای

علیه از جمله ادعیه وسایل امید عار ابرای
استخاره روایت کرده است اللهم ان خیرتک
فیما استخیرک فیه تنیل الرغائب وتجزل
المواهب وتغنم المطالب وتطیب المکاسب
وتهدی الی اجمل المذاهب وتسوق الی
احمد العواقب وتقی مخوف النوائب اللهم
انی استخیرک فیما عزم رایی علیه وقادنی
عقلی الیه فسهل اللهم منه ما توعر ویسر
منه ما تعسر واکفنی فیه المهم وادفع عنی
کل ملم واجعل رب عواقبه غنما وخوفه
سلما وبعده قربا وجدبه خصبا وارسل

اللهم اجابتی وانجح طلبتی واقض حاجتی واقطع
عوائقها وامنع بوائقها واعطنی اللهم
لواء الظفر بالخیرة فیما استخرتک ووفور
المغنم فیما دعوتک وعوائد الافضال فیما
رجوتک واقرنه اللهم بالنجاح وحطه بالصلاح
وارنی اسباب الخیرة واضحة واعلام غنمها
لائحة واشدد خناق تعسرها وانعش صریع
تیسرها وبین اللهم ملتبسها واطلق تحبسها
ومکن اسها حتی تکون خیرة مقبلة بالغنم
مزیلة للغرم عاجلة النفع باقیة الصنع
انک ولی المزید مبتدی بالجود ودر محاسن

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت
کرده است که هر طلب خیر از خدا کند باید که
عدد دش طاق باشد وایضا از حضرت صادق
علیه السلم روایت کرده است که پدرم هرگاه
اراده استخاره میکرد وضو میساخت و دو رکعت
نماز میکرد و مشغول استخاره میشد و اگر در
اثنای استخاره کسی با او سخن میگفت سبحان الله
میگفت و سخن با کسی نمیگفت تا فارغ میشد
وایضا در محاسن و در مکارم از آنحضرت روایت کرده اند
که در استخاره این دعا بخوانند اللهم انی استخیرک
برحمتک واستقدرک الخیر بقدرتک علیه

لانک عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم
فاسألک ان تصلی علی محمد النبی و آله کما
صلیت علی ابرهیم و آل ابرهیم انک حمید
مجید اللهم ان کان هذا الامر الذی ارید
خیرا لی فی دینی و دنیای و آخرتی فیسره
لی و ان کان غیر ذلک فاصرفه عنی و اصرفنی
عنه وایضا هر دو از آنحضرت روایت کرده اند
که فرمود که بعضی از پدران من در استخاره این
دعا اللهم لک الحمد و بیدک الخیر کله
اللهم انی استخیرک برحمتک واستقدرک
الخیر بقدرتک علیه لانک تقدر ولا اقدر

وتعلم ولا اعلم وانت علام الغیوب اللهم
فما کان من امر هو اقرب من طاعتک وابعد
من معصیتک وارضی لنفسک واقضی لحقک
فیسره لی ویسرنی له وما کان من غیر ذلک
فاصرفه عنی واصرفنی عنه فانک لطیف لذلک
والقادر علیه ودر محاسن بسند معتبر روایت
کرده است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام
فرمود که هرگاه امر عظیمی را اراده کنم صد مرتبه
طلب خیر خود از حق تعالی میکنم واگر غلام
خریدن یا مانند آن باشد سه مرتبه طلب
خیر میکنم میگویم اللهم انی اسالک بانک

عالم الغیب والشهادة ان کنت تعلم ان
الامر الذی اردت خیر لی فقدره لی ویسره
وان کنت تعلم انه شر لی فی دینی ودنیای
واخرتی فاصرفه عنی الی ما هو خیر لی ور
رضنی فی ذلک بقضائک فانک تعلم ولا اعلم
وتقدر ولا اقدر وتقضی ولا اقضی انک
علام الغیوب مؤلف گوید که ظاهرش آنست که
پیش از این دعا صد مرتبه یا سه مرتبه استخیر الله
برحمته بگوید وبعد از آن این دعا را بخواند و
احتمال دارد که همین دعا را مکرر بخواند و
ایضا بسند معتبر دیگر از حضرت صادق ع

استخیر الله

روایت کرده است که میگوئی در دعای استخاره
استخیر الله واستقدر الله واتوکل علی الله و
لا حول ولا قوة الا بالله اردت امرا فاسال
الهی ان کان ذلک له رضی ان یقضی لی حاجتی
وان کان له سخطا ان یصرفنی عنه وان
یوفقنی لرضاه وکلینی وشیخ وسید رضی الله عنهم
بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده اند که دو رکعت نماز بکن وطلب خیر از
علام الغیوب بکن پس بخدا سوگند یاد میکنم
که هر مسلمان که خیر خود را از خدا بطلبد
البته انچه خیر اوست بنزد او می اورد

وکفعمی ودیگران بچندین سند از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام روایت کرده اند که حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که حضرت
رسول صلی الله علیه واله رازی بود که کم
کسی بر ان مطلع شد ومیگفت ومن نیز میگویم
که لعنت خدا وملائکه وصالحان خلق خدا بر کسی
باد که افشای سر انحضرت نماید مگر نزد کسی که
اعتماد بر او داشته باشد پس کتمان کنید راز
انحضرت را بدرستی که شنیدم میفرمود که یا علی
بخدا سوگند یاد میکنم که نمیگویم بتو مگر انچه
گوشهای من شنیده ودل من حفظ کرده ودید

من بسوی آن نظر کرده پس نهاد یا علی سرّ مرا فاش
مکن بدرستی که من از خداوند خود استدعا کرده ام
که هر که افشای سرّ من بکند نزد غیر محرم اسرار من
بچشاند باو گرمی آتش جهنم را پس فرمود که یا علی
بسیاری از مردم اگر عمل کنند بانچه من میگویم
در نهایت مرتبه عبادت خواهند بود هر چند
عبادت ایشان کم نماید و اگر نه ترس آن داشتم
که طاغیان این امت دین مرا ضایع کنند هر
آینه این سرّ را فاش میکردم و بهمه کس میگفتم لهذا
نمیخواهم که غیر کسی که محل اعتماد باشد بداند بدانکه
در شب معراج چون باسمان هفتم رسیدم

نظر کردم بسوی فرجه از عرش الهی که نور از آن
میجوشید مانند دیگی که در جوش باشد پس چون
خواستم بر گردم مرا نزد آن فرجه نشانیدند وندا
بمن رسید که ای محمد پروردگارت ترا سلام
میرساند و میگوید که تو گرامی ترین خلقی نزد او
و نزد او علی هست که از جمیع پیغمبران و امتهای
ایشان پنهان داشته است بغیر تو و هر که را
بپسندی تو از امت تو و کسی که او بپسندد بعد از او
خود و چون این دعاها را بخوانند گناهان گذشته
ایشان بر طرف شود و بعد از آن از گناه نترسند
و باین سبب امر میکنم ترا بکتمان آن تا آنکه عمل

کنند کانا کتفا باین بکنند و دست از سایر طاعات
بر دارند پس در ضمن دعاها فرمود که یا محمد هر
که او را دو امر پیش آید و خواهد که من از برای
او اختیار کنم هر یک را که نزد من پسندیده تر است
پس وقتی که اراده آن امر میکند این دعا را بخواند
اللهم اختر لی بعلمک ووفقنی لرضاک ومحبتک
اللهم اختر لی بقدرتک وجنبنی بعزتک مقتک
وسخطک اللهم اختر لی فیما ارید من هذین
الامرین وتام میبرد آن دو امر را ایسرهما الی واحبهما
الیک واقربهما منک وارضاهما لک اللهم
انی اسالک بالقدرة التی زویت بها علم

الاشیاء کلها عن جمیع خلقک فانک عالم
بهوای وسریرتی وعلانیتی فصل علی محمد
وآله واشفع بناصیتی الی تراه لک رضا ولی
صلاحا فیما استخرتک فیه حتی تلزمنی من
ذلک امرا ارضی فیه بحکمک واتکل فیه علی
قضائک واکتفی فیه بقدرتک ولا تقلبنی
وهوای لهواک مخالف ولا ما ارید لما تریدلی
مجانب اغلب بقدرتک التی تقضی بها ما احببت
بهواک هوای ویسرنی للیسری التی ترضا
بها عن صاحبها ولا تخذلنی بعد تفویضی الیک
امری برحمتک التی وسعت کل شیء اللهم

اوقع خیرتك فی قلبی وافتح قلبی للزومها یا کریم
آمین رب العالمین پس هرگاه این دعا بخواند
اختیار میکنم برای او منافع او را در دنیا و
آخرت وسید بسند موثق از زراره روایت کرده
است که گفتم بحضرت امام محمد باقر علیه السلم
عرض کردم که هرگاه اراده کاری داشته باشم
وخواهم طلب خیر خود از پروردگار خود بکنم
چگونه بگویم حضرت فرمود که هرگاه اراده
استخاره داشته باشی روز سه شنبه و چهار
شنبه و پنجشنبه را روزه بدار پس در روز جمعه
در مکان پاکیزه دو رکعت نماز بکن پس نظر

کن بجانب آسمان وصد مرتبه بگو اللهم انی
اسألك بانك عالم الغیب والشهادة الرحمن
الرحیم انت عالم الغیب ان کان هذا الامر
خیرا لی فیما احاط به علمك فیسره لی وبارك
لی فیه وافتح لی بابه وان کان ذلك شرا لی فیما
احاط به علمك فاصرفه عنی بما تعلم ولا
اعلم وتقدر ولا اقدر وتقضی ولا اقضی و
انت علام الغیوب وایضا بسند معتبر از
کتاب دلایل حمیری روایت کرده است از محمد
ابن سهل قمی که گفت من در معظمه مکه مجاور بودم
پس رفتم بمدینه و بخدمت حضرت امام محمد

لی فیه

تقی علیه السلام مشرف شدم و اراده داشتم
که از حضرت سؤال کنم از برای شرف و کرامت
جامه را که بپوشم و میسر نشد که سؤال کنم
تا وداع کردم و بیرون امدم و خواستم که از مدینه
بیرون روم باز بخاطرم رسید که عریضه بخدمت
حضرت بنویسم و جامه را سؤال کنم چون تردد بسی
داشتم عریضه را ننوشتم و رفتم بمسجد حضرت
رسول صلی الله علیه و اله و دو رکعت نماز
استخاره کردم و بعد از ان صد مرتبه طلب خیر
از خدا کردم پس در دلم افتاد که نامه را نفرستم
نامه را دریدم و از مدینه بیرون رفتم چون

روانه شدم دیدم که خادم انحضرت در میان
قطارها میگردد و سؤال از مکان من میکند
چون بمن رسید دستمالی بمن داد که دو پارچه
بسیار خوش قماش نازک در میان ان پیچیده
بود و گفت مولای تو این جامها را برای تو
فرستاده است پس احمد بن محمد بن عیسی راوی
حدیث گفت که در ان زودی محمد بن سهل
برحمت خدا رفت و من او را غسل دادم و
در همان جامها که حضرت فرستاده بودند او را
کفن کردم مؤلف گوید که در این حدیث چندین معجزه
از انجناب ظاهر شد اول انکه حضرت دانسته

کدر خاطر او بوده که جامه طلب کند برای او
فرستادن **دویم** آنکه اشعار فرمودند که اجل
او نزدیک شده احتیاج بجامه دوخته ندارد
سیم آنکه جامها بعد از ثواب ضروری کفن
برای او فرستادند زیرا که میدانستند که در
کفن بآنها محتاج خواهد شد و سید رحمه الله
اینحدیث را برای آن نقل کرده است که استخاره
و نماز آن باین نحو میان محدثین شیعه مشهور
و معروف بوده و اینحدیث بمفتاح اینده
آن نسبت **و شیخ مفید علیه الرحمه** در مسائل غریه گفته
است که از برای استخاره نماز مغربی هست

و آن دو رکعت با هر سوره که خواهد و بعد از
سلام حمد و ثنای خدا بکو و صلوات بر محمد
و آل بفرستد **و بکوید** اللهم انی استخیرک
بعلمک و قدرتک و استخیرک بعزتک و
اسألک من فضلک فانک تقدر و تعلم
و لا اعلم و انت علام الغیوب اللهم
ان کان هذا الامر الذی عرض لی خیرا
فی دینی و دنیای و آخرتی فیسره لی و
بارک لی فیه و اعنی علیه و ان کان شرا
لی فاصرفه عنی و اقض لی الخیر حیث کان
و رضنی به حیث لا احب تعجیل ما اخرت

وَلا تأخیر ما عجلت و اگر خواهد بگوید اللهم خر لی
فیما عرض لی واقض لی بالخیر فیما وفقتنی له
منه برحمتک یا ارحم الراحمین شیخ طوسی
علیه الرحمه در کتاب مبسوط و نهایه گفته
است که سنت است آدمی را امری که اراده کند
دو رکعت نماز بکند و هر سوره که خواهد در
آن دو رکعت دویم بخواند و بعد از سلام
هر دعا که داند بخواند و مطلب خود را طلبد
پس بسجده رود و صد مرتبه بگوید استخیر الله
فی جمیع اموری و ابن ادریس و ابن البراج رحمه
الله علیهما نیز نزدیک باین گفته اند و سید

بسند صحیح از محمد مسلم روایت کرده است که
اراده شام کردم و حضرت صادق علیه
السلم را امر کرد که این دعا بخوانم اللهم ان
کان هذا الوجه الذی هممت به خیرا لی
فی دینی و دنیای و عاقبة امری و لجمیع المسلمین
فیسره لی و بارک لی فیه و ان کان ذلک
شرا لی فاصرفه عنی الی ما هو خیر لی منه
فانک تعلم و لا اعلم و تقدر و لا اقدر و
انت علام الغیوب پس صد نوبت بگویم استخیر الله
چون چنین کردم رفتن شام بر طرف شد و همان
هنیه را صرف سفر حج کردم و ایضا راوی گفت

که استخیر الله را در امر عظیم صد و یک مرتبه بگوید و
در امر سهل ده مرتبه و ابن براج قدس سره در
مهذب گفته است که بهترین انواع استخاره
آنست که دو رکعت نماز بجا آورد چنانچه سایر
نوافل را میکند و قنوت در رکعت دویم بخواند
و در سجده آخر نماز صد مرتبه بگوید استخیر الله
پس بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم لا
اله الا الله العلی العظیم رب بحق محمد و آل
محمد صل علی محمد و آل محمد و خر لی فی الامر
الذی اردت مؤلف گوید که احادیث در باب
این نوع استخاره بسیار است و چون بعضی با آنچه

مذکور

مذکور شد اختلاف یسیری داشت بهمین
اکتفا نمود و بهر یک از اینها که ذکر کردیم اگر عمل
کند خوبست و اگر بعضی را با بعضی ضم کند تمام
تر خواهد بود و از جمله دعاها که مناسب این نوع است
دعای صحیفه کامله است و آن این است اللهم انی استخیرک
بعلمک فصل علی محمد و آله واقض لنا بالخیرة
والهمنا معرفة الاختیار واجعل ذلک
ذریعة الی الرضا بما قضیت لنا والتسلیم
لما حکمت فازح عنا ریب اهل الارتیاب و
ایدنا بیقین المخلصین و لا تسمنا عجز المعرفة
عما تخیرت فنغمط قدرک و نکره موضع

بِرِضَاكَ وَنُخْرِجَ إِلَى الَّتِي هِيَ أَبْعَدُ مِنْ حُسْنِ الْعَاقِبَةِ
وَأَقْرَبُ إِلَى ضِدِّ الْعَافِيَةِ حَبِّبْ إِلَيْنَا مَا نَكْرَهُ
مِنْ قَضَائِكَ وَسَهِّلْ عَلَيْنَا مَا نَسْتَصْعِبُ مِنْ
حُكْمِكَ وَأَلْهِمْنَا الْإِنْقِيَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَيْنَا
مِنْ مَشِيَّتِكَ حَتَّى لَا نُحِبَّ تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ وَلَا
تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا نَكْرَهَ مَا أَحْبَبْتَ وَلَا
نَتَخَيَّرَ مَا كَرِهْتَ وَاخْتِمْ لَنَا بِالَّتِي هِيَ أَحْمَدُ عَاقِبَةً
وَأَكْرَمُ مَصِيرًا إِنَّكَ تُفِيدُ الْكَرِيمَةَ وَتُعْطِي
الْجَسِيمَةَ وَتَفْعَلُ مَا تُرِيدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ وظاهرا در قسم دویم نیز خواندن مناسب
باشد و در اقسام دیگر بعید است مفتاح دویم

در بیان نوع دویم استخاره است که بعد از عمل
استخاره رجوع بقلب خود کند و آنچه در خاطر
رجحان بهم رساینده بان عمل نماید چنانچه
شیخ طوسی قدس الله روحه در کتاب اقتصاد
گفته است که کسی که اراده امری کند سنت است
که غسل کند و دو رکعت نماز بجا آورد و بعد
از ان بسجده رود و صد مرتبه بگوید استخیر الله
تعالی فی جمیع اموری کلها خیرة فی عافیة
پس آنچه در دلش افتد بان عمل کند و کلینی و شیخ و
سید و طبرسی رحمة الله علیهم بسند کالصحیح روایت
کرده است که ابن اسباط اراده مصر داشت و

در راه کند یا وصحرا مضطرب بود حضرت امام رضا
صلوات الله علیه فرمود که برو بمسجد در غیر وقت
نماز واجب و دو رکعت نماز بکن و صد مرتبه
طلب خیر خود از خدا بکن و آنچه در دلت می افتد
بآن عمل کن و بروایت علی ابن ابرهیم صد و یک مرتبه
استخیر الله نیز بگوید اگر استخیر الله برحمته خیرة
فی عافیة بگوید بهتر است و شیخ رحمه الله در
مجالس بسند معتبر از حضرت امام علی نقی علیه
السلم روایت کرده است که حضرت صادق
صلوات الله علیه فرمود که هرگاه یکی از شما را
حاجتی عارض شود باید که مشورت با پروردگار

خود بکند گفتند چگونه مشورت کند فرمود که
بعد از نماز فریضه بسجده رود و صد مرتبه
بگوید اللهم خر لی پس متوسل شود بما و صلوات
فرستد بر ما و ما را شفیع گرداند در درگاه خدا
پس آنچه حق تعالی بدلش می اندازد بآن عمل
کند و این مطالب اگر بفارسی بگوید نیز خوبست
و اگر بگوید که اللهم انی اتوسل الیک بنبیک
نبی الرحمة محمد و اهل بیته الطاهرین و
اتوجه بهم الیک ان تصلی علی محمد و آل
محمد و ان تلهمنی ما هو خیر لی فی دینی و دنیای
و آخرتی خیرة فی عافیة برحمتک یا ارحم

الرّاحمین ظاهرا خوب باشد و در رقعهٔ الرّضا ع
مذکور است که هرگاه امری را اراده کنی دو رکعت
نماز بکن و صد مرتبه استخیر الله بگو پس بگو لا اله
الّا الله العلیّ العظیم لا اله الّا الله الحلیم
الکریم ربّ بحقّ محمّد و علیّ خر لی فیما اردت
للدّنیا و الآخرة خیرة من عندک لک فیه
رضا و لی فیه صلاح فی خیر و عافیة یا ذا
المنّ و الطّول پس آنچه رایش بران قرار گیرد
بعمل آورد و سیّد رضی الله عنه بسندهای
صحیح و معتبر روایت کرده است که مردی بحضرت
امام محمّد جواد علیه السّلم عریضه در باب

فروختن ملکی نوشت در جواب نوشتند که دو
رکعت نماز بجا آور و بعد از آن صد مرتبه
طلب خیر خود از خدا بکن و در اثنای استخاره
با کسی سخن مگو تا صد مرتبه تمام شود پس اگر
در دلت بیفتد فروختن آن ملک بفروش و الّا
در فردوس الاخبار روایت کرده است که حضرت
رسول صلّی الله علیه و آله با انس گفت که هر وقت
که امری را اراده کنی هفت مرتبه طلب خیر از
پروردگار خود بکن پس آنچه در دل تو میافتد
بکن که خیر تو در آنست و ایضا در صحاح عامّه
از جابر بن عبد الله انصاری روایت کرده اند

که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله
استخاره را تعلیم ما میکرد چنانچه سوره قرآن را
تعلیم میکرد و میگفت که هر یک از شما که امری را
قصد نماید دو رکعت نماز بکند در غیر وقت
نماز واجب پس بگوید اللهم انی استخیرک بعلمک
واستقدرک بقدرتک واسئلک من فضلک
العظیم فانک تقدر ولا اقدر وتعلم ولا
اعلم وانت علام الغیوب اللهم ان کنت
تعلم ان هذا الامر خیر لی فی دینی ومعاشی
وعاجل امری واجله فاقدره لی ویسره لی
ثم بارک لی فیه اللهم وان کنت تعلم ان

هذا

هذا الامر شر لی فی دینی ومعاشی وعاجل
امری واجله فاصرفه عنی واصرفنی عنه
واقدر لی الخیر حیث کان ورضنی به فحاجت
خود را نام ببرد و شیخ مفید در مقنعه و علی بن بابویه
گفته اند که هرگاه امری اراده کنی دو رکعت
نماز بکن و صد یکمرتبه استخیر الله برحمته بگو
و بعد از آن بخوان لا اله الا الله العلی العظیم لا
اله الا الله الحلیم الکریم رب بحق محمد
وآل محمد صل علی محمد وآله وخر لی فیما
اردت للدنیا والآخرة خیرة منک فی عافیة
پس هرچه بر آن عزم کنی بعمل آور و کلینی و شیخ

وبسند غیر ازیشان بسند معتبر روایت کرده اند
که اسحق بن عمار بخدمت حضرت صادق ع
عرض کرد که بسیار واقع میشود که امری را
اراده میکنم وبعضی مرا امر میکنند بآن و بعضی
نهی میکنند حضرت فرمود که هرگاه چنین باشد
دو رکعت نماز بکن وصد ویکمرتبه طلب خیر
از خدا بکن پس نظر کن که کدام یک در دل تو
راجح است پس آنرا بکن که انشاء الله خیر تو در آن
است وباید که طلب خیر را در عافیت بکنی یا نکه
بگوئی أستخیر الله برحمته خیرة فی عافیة زیرا که
بسا باشد که خیر آدمی در بریدن دست و پا باشد

یادر

یا در مردن فرزند او یا در رفتن مال او و بعضی هر
چند خیر در اینها باشد اما چون اکثر خلق صبر
بر این بلاها نمیتوانند کرد وحق تعالی قادر است
بر آنکه خیر را در امری قرار دهد که مقرون بعافیت
از این بلاها باشد پس در دعا باید که شرط
عافیت بکند وبسند صحیح از امام محمد
باقر علیه السلم روایت کرده است که هر بنده
که صد مرتبه طلب خیر از حق تعالی بکند البته
آنچه خیر اوست در دلش می افتد میگوید اللهم
عالم الغیب والشهادة ان کان ما اردت
خیرا لامر دنیای وآخرتی وعاجل امری وآجله

فیسّر لی وافتح لی بابه ورضّنی فیه بقضائک
و در عیون اخبار الرضا از آنحضرت علیه السلم روایت
کرده است که حضرت صادق صلوات الله علیه
فرمود در استخاره که بعد از نماز فریضه سجده
میرود و صد مرتبه میگوید اللهم خر لی پس
متوسل میشود بر رسول خدا و ائمه هدی صلوات
الله علیهم و صلوات بر ایشان میفرستد و ایشانرا
شفیع خود میگرداند پس آنچه بعد از آن خدا
اورا الهام کند عمل بآن میکند زیرا که البته از
جانب حق تعالی است مقام سیم استخاره بجناب
مقدس الهی است با مشورت کردن با مومنان

بدانکه

بدانکه مشورت کردن با برادران مومن عاقل
از اهم امور است و تاکید بسیار در آیات و اخبار
در آن وارد شده است چنانچه حق تعالی برای
تعلیم سایر بندگان و تالیف قلب مومنان و امتحان
منافقان حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
و آله را که صاحب عقل کل بود و خاطر مقدسش
مهبط اسرار وحی الهی و مشرق انوار الهامات
نامتناهی بود خطاب نمود که وشاورهم فی الامر
فاذا عزمت فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین
یعنی با صحابه مشورت کن در امر جهاد و غیر آن
که اراده مینمائی پس چون عزم کنی بر آنچه ما

بر زبان ایشان جاری میسازیم و بخاطر مقدس
تو می اندازیم پس توکل کن بر خدا و کار خود را
باو بگذار و اعتماد بر غیر او مکن بدرستی که
خدا دوست میدارد آنهارا که در همه امور
بر خداوند خود توکل میکنند بدانکه تا امر
انحضرت بمشوره برای تعلیم سایر بندگان و
تطییب خاطر مؤمنان و مصالح بسیار دیگر باز
امر فرمود بتوکل و اعتماد بر جناب مقدس او
و تفویض امور خود بعلم کامل و لطف شامل
او پس تا ارتکاب مشورت باید که اعتماد بر رای
خلق نکند و خیر خود را از علام الغیوب

طلب کند تا آنچه خیر اوست حق تعالی بر زبان
ایشان جاری گرداند و ایضا در جای دیگر فرموده
است والذین استجابوا لربهم واقاموا الصلوٰة
وامرهم شوری بینهم ومما رزقناهم ینفقون
پس مدح کرده است جماعتی را که اجابت میکنند
پروردگار خود را در هر امری از امور دین که
ایشان را بسوی آن میخواند و نماز را برپا میدارند
در اوقات فضیلت با شرایط و آداب آن و کار
ایشان مشوره است در میان ایشان یعنی مستبد
برای خود نمی باشند و در هر کار با یکدیگر مشورت
میکنند و از آنچه با ایشان روزی کرده ایم از مال

حلال در راه رضای ما انفاق میکنند و از این
آیهٔ کریمه نهایت مبالغه در مشورت ظاهر میشود
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که هر که با کسی مشورت کند البته هدایت می
یابد بانچه خیر او در انست و در حدیث دیگر
فرمود که یا علی کسی که طلب خیر خود از خدا
میکند در کار خود حیران نمیشود و کسی که در کارها
با مردم مشورت می کند پشیمان نمیشود و از
حضرت امیر المؤمنین علیه السلم مرویست که
نفس خود را بخطرها می اندازد کسی که مستغنی
میشود برای خود از رای دیگران وسید و برقی

و دیگران بسند معتبر از حضرت صادق علیه
السلم روایت کرده اند که مشورت نمیباشد
مگر با چهار حد اگر کسی انها را رعایت کند
منتفع میشود و اگر نکند ضررش بر مشورت کنند
زیاده از نفع انست اول انکه با کسی مشورت
کند که عاقل باشد دویم انکه ازاد و دین دار
و صالح باشد سیم انکه دوست و برادر مؤمن
باشد چهارم انکه او را بر سر و راز خود مطلع
کردانی بنحوی که چنانچه تو راز خود را میدانی
او هم بداند و اعتماد بر او داشته باشی که افشا
راز تو نمیکند نزد مردم اما اول برای انکه اگر

عاقل باشد رای او بکار تو می آید و رای احمق
بکار نمی آید واما دویم برای آنکه اگر آزاد و دین
دار باشد سعی میکند که خیر ترا بداند و بتو
بگوید و اگر از خدا نترسد پروا ندارد از آنکه خیر
ترا از تو پنهان کند واما سیم زیرا که اگر پلید
و برادر ایمانی نباشد راز خود را با او نمیتوانی
گفت واما چهارم برای آنکه تا اسرار ترا نداند خیر
ترا نمیتواند دانست مؤلف گوید که در عبارت
حدیث اجمالی هست و حاصل مضمونش آنست
که مذکور شد و دور نیست که مراد از آزاد مرد
خوش اخلاق باشد حدیث بسند معتبر از حسن

ابن الجهم منقولست که حضرت امام رضا علیه
السلم فرمود که عقل پدرم بمرتبه بود که عقلهای
دیگر را با آن نمیتوانست سنجید و با آن مرتبه
از علم و عقل بسیار بود که با یکی از سیاهان
غلامان خود مشورت میکرد میگفتند با چنین
کسی مشورت میکنی جواب میفرمود که بسا باشد
که خدا خیر مرا بر زبان او جاری گرداند پس آنچه
آن سیاهان میگفتند از مصالح بساتین و
مزارع آنحضرت بآن عمل مینمود واز حضرت صادق
علیه السلم منقولست که از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله پرسیدند که حزم و دو

اندیشی چیست فرمود که مشورت کردن با صاحبان
عقل ورای نیک ومتابعت ایشان کردن
فی مکارم از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه
واله فرمود که مشورت کردن با عاقل ناصح خیر
خواه موجب میمنت ومبارکی ورشد وصلاح
وتوفیق حق تعالی است پس هرگاه خیرخواه دانای
عاقل رای برای تو اختیار کند زنهار مخالفت
او مکن که باعث هلاک تو میگردد ودر حدیث دیگر
فرمود که هیچ معاونتی بهتر از مشورت کردن نیست
وهیچ عقلی بهتر از تدبیر نیست واز حضرت

امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که مشورت
کن با جماعتی که از خدا ترسند ودوست دار برادران
مؤمن را بقدر پرهیزکاری ایشان وبپرهیز
از زنان بد واز نیکان ایشان نیز در حذر باش
اگر ترا به نیکی امر کنند مخالفت کن ایشان را تا طمع
نکنند در آنکه موافقت کنی ایشان را در بدیها
ودر حدیث دیگر فرمود که من بیزارم از کسی که
مسلمانی با او مشورت کند وآنچه خیر او را در
آن داند با او نگوید واز حضرت رسول صلی الله
علیه واله مرویست که هر گروهی که با یکدیگر
مشورت کنند ودر میان ایشان کسی باشد که

نامش محمد یا حامد یا محمود یا احمد باشد و در
مشورت ایشان داخل باشد البته آنچه خیر
ایشانست بر ایشان ظاهر میشود و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که مشورت کن
با مردان عاقل پرهیزکار زیرا که امر نمیکنند ترا
مگر به نیکی و زنهار که مخالفت ایشان مکن که
مخالفت دانای پرهیزکار باعث فساد دین و
دنیاست **بسند** معتبر از حضرت صادق علیه
السلام منقولست که اگر خواهی نعمت الهی برای تو
مستقیم باشد و مروت و مردی تو کامل و تمام
باشد و زندگانی تو نیکو باشد پس در امور خود

با برده و مردم دنی و دون مشورت مکن و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله مرویست که مشورت
مکن با جبان و ترسان که راه بدر شد را بر تو تنگ
میکند و بسبب جبنی که دارد راه گشادی را بتو نمینماید
و مشورت مکن با بخیل که مانع میشود ترا از
رسیدن بنهایت مقصود خود و مشورت مکن
با کسی که حرص دنیا داشته باشد زیرا که زینت
میدهد برای تو بدترین راهها را و **بسند** معتبر از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرگاه
برادر مؤمنش با او مشورت کند و آنچه محض خیر
او را داند نگوید حق تعالی عقل و رایش را

ازاو سلب کند و در محاسن و معانی الاخبار و فتح الابواب
بسندهای معتبر از حضرت صادق صلوات الله
علیه منقولست که هرگاه یکی از شما کاری را اراده
کند با کسی مشورت نکند تا آنکه پیش از آن با خدا
خود مشورت کند راوی گفت چگونه با خدا
مشورت کند فرمود که اول از حق تعالی طلب
خیر خود بکند بعد از آن با مؤمنان مشورت کند
تا خدا آنچه خیر او در آنست بر زبان ایشان جاری
گرداند و در مکارم از حضرت صادق علیه السلم
روایت کرده است که هرگاه امری را اراده کنی پیش
با کسی مشورت مکن تا با خدا مشورت کنی پرسیدند

که چگونه با پروردگار خود مشورت کند فرمود که
صد مرتبه بگوید استخیر الله پس با مردم مشورت
کند تا خدا خیر او را بر زبان هر که خواهد جاری کند
و سید بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلم
روایت کرده است که چون احدی از شما یعنی شیعیان
اراده کند که چیزی بخرد یا بفروشد یا داخل امری
شود پس اول خیر خود را از خدای عز و جل سؤال
کند بانکه بگوید اللهم انی ارید امرا فان کان
خیرا لی فی دینی و دنیای و آخرتی و عاجل امری
و آجله فیسره لی و ان کان شرا لی فی دینی
و دنیای و آخرتی فاصرفه عنی رب اعزم لی علی

رشدی وان کرهته وابته نفسی پس با ده نفر از
مؤمنان مشورت کند دران امر که اراده کرده است
واکر ده کس نیابد پنج نفر مشورت کند باهر یك دوبار
واکر نیابد مکر دو نفر از مؤمنان باهر یك پنج مرتبه
مشورت کند واکر نیابد مکر یکی رزدبا او ده نوبت
مشورت کند مؤلف کوید که اکر صد مرتبه استخیر الله
را با این حدیث ضم کند اتم واکمل خواهد بود ان شاء الله
تعالی مفتاح چهارم در بیان استخاره بقران مجید است
کلینی رحمه الله از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده است که تفال مکن بقران مشایخ ما رحمهم الله
علیهم این حدیث را تاویل میکردند که مراد نهی از

فال کشودن از قرآن است که احوال آینده را از
آیات مناسبه استنباط کنند چنانچه بعضی از
جهال اینرا وسیله روزی خود کرده باین نحو
مردم را فریب میدهند وبخاطر فقیر میرسد که ممکن
است که مراد نهی از تفال وتطیری باشد که اکثر
خلق از دیدن وشنیدن بعضی امور میکنند
وبعضی را برخود مبارك وبعضی را شوم میکیرند
مانند صدای کلاغ وجغد ودیدن بعضی از
حیوانات وغیر آن در افتتاح سفر واحوال دیکر
یعنی از شنیدن بعضی از آیات کریمه فال نیك
وفال بد میکیرند وشاید یك حکمتش این باشد که

فال

باعث کم اعتقادی مردم بقران کریم نکردد اکر
موافق نیفتد **استخاره بقران مجید** بچندین طریق
معروفست ودر بعضی از کتب مذکور است **اول**
انکه بعد از طلب خیر از جناب مقدس ربانی
مصحف را بکشاید وایه اول صفحه دست راست
را ملاحظه نماید اکر ایهٔ رحمتی یا امر بخیری باشد
خوبست واکر ایهٔ غضبی یا نهی از شری یا امر
بشری یا عقوبتی باشد بد است واکر ذو جهتین
باشد یا مشتبه باشد میانه است **چنانچه** شیخ
طوسی در تهذیب و صاحب کتاب الغایات وسید
ابن طاوس رضی الله عنهم بسند معتبر روایت

کرده اند

کرده اند که یسع بن عبد الله قمی بحضرت صادق
علیه السلام عرض کرد که من اراده میکنم کاری را
وطلب خیر از حق تعالی میکنم ودایم بر یکطرف
قرار نمیکیرد حضرت فرمود که نظر کن در هنکامی
که بنماز بر میخیزی زیرا که دورترین احوال شیطان
از ادمی حالتی است که بنماز می ایستد پس ببین که
چه چیز در دلت می افتد واخذ کن بان و بکشا
مصحف را پس نظر کن بسوی اول چیزی که می بینی
در مصحف پس بان عمل کن انشاء الله **مؤلف کوید**
که ظاهر انست که مراد ان باشد که یا بکشا و اخذ کن
دو طریق بجهت استخاره و تشخیص خیر بیان فرموده

باشد وهمچنین مراد از اول چیزی که می بینی
اول صفحه باشد زیرا که غالب انست که اول
نظر بر آن می افتد و مؤید این معنی استانچه
روایت کرده است ابن ادریس رحمه الله در کتاب
سرایر از شخصی از اصحاب که گفت در خدمت
حضرت امام زین العابدین صلوات الله
علیه بودم و عادت آنحضرت این بود که چون
نماز صبح میکرد با کسی سخن نمیگفت تا آفتاب
طلوع میکرد و روزی که زید فرزند آنحضرت
متولد شد بعد از نماز صبح آنحضرت را بشارت
بولادت او دادند پس رو باصحاب خود کرد

وگفت

وگفت چه نام کنم این فرزند را هر یک از حاضران
نامی گفتند حضرت مصحف طلبید و در دامن
خود گذاشت و کشود در اول صفحه این آیه بود
وَفَضَّلَ اللهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا
عَظِيمًا پس مصحف را برهم گذاشت و بار دیگر کشود
این آیه در اول صفحه بود إِنَّ اللهَ اشْتَرَى مِنَ
الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ
الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللهِ فَيَقْتُلُونَ وَ
يُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَيةِ وَالْإِنْجِيلِ
وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللهِ فَاسْتَبْشِرُوا
بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ

العظیم پس حضرت دو بار فرمود که والله که زید است
و او را زید نام کرد مؤلف گوید که چون حضرت سجاد
علیه السلم میدانستند که یکی از فرزندان او
که مسمی بزید خواهد بود در جهاد مخالفان
شهید خواهد شد و در این دوایه که در استخاره
ظاهر شد اشاره بشهادة او بود باین سبب دانستند
که این همان فرزند است پس او را بزید مسمی کردانیدند
و دلالت میکند بر استخاره باین نحو که مذکور
شد بلکه ایمائی بجواز تفاؤل بقران نیز دارد
و ایضا سید رحمة الله علیه در فتح الابواب
گفته است که خطیب مستغفری در دعوات خود

ذکر کرده است که هرگاه خواهی تفال نمائی بکتاب
خدا پس سه مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان
و سه مرتبه صلوات بر محمد و ال محمد بفرست
پس بگو اللهم تفالت بکتابک وتوکلت
علیک فارنی من کتابک ما هو المکتوم من
سرک المکنون فی غیبک پس مصحف مجید را
بگشا و عمل کن بانچه در سطر اول صفحه دست
راست ظاهر میشود بی انکه اوراق و سطور را
بشماری و این را از حضرت رسول صلی الله
علیه و اله روایت کرده است مؤلف گوید
کاین حدیث اگرچه از طرق عامه روایت شده است

اما مؤید استخاره صفحه اول میتواند شد طریق
دویم استخاره قران مجید انست که بصفحه اولی
عمل نکنند وان چند قسم است اول انست که
فقیر دیدم بخط شیخ جلیل شیخ شمس الدین
محمد صاحب الکرامات والمقامات جد شیخ
الاسلام والمسلمین شیخ بهاء الدین محمد
قدس الله روحهما که از خط شیخ سعید شهید
محمد بن مکی رفع الله درجته نقل کرده که او
بسند معتبر از مفضل بن عمرو روایت کرده است
که گفت با جمعی از اصحاب در خدمت حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام نشسته بودیم

پس یکی از ایشان بخدمت انحضرت عرض کرد که
گاه هست اراده کاری وقصد حاجتی میکنیم
پس مصحف مجید را بر میداریم وحاجت خود را
بخاطر می اوریم وقران را میکشاییم وبعد از ان
باول ورق اول نظر میکنیم وبان استدلال بر انجاح
وبد حاجة خود میکنیم حضرت فرمود که میدانید
بچه نحو باید کرد والله که نمیدانید گفتم فدای تو
شوم چگونه باید کرد فرمود که هرگاه یکی از شما را
حاجتی باشد وقصد ان داشته باشد نماز
جعفر را بجا اورد ودعایش را بخواند وچون
فارغ شود مصحف را بردارد ونیت کند فرج

آل محمد را کظهور حضرت صاحب الامر
علیه السلام درین نزدیکی خواهد شد و بگوید
اللهم ان کان فی قضائک و قدرک ان
تفرج عن ولیک و حجتک فی خلقک فی
عامنا هذا او فی شهرنا هذا فاخرج لنا آیة
من کتابک نستدل بها علی ذلک پس مصحف را
بگشاید و هفت ورق بگرداند و از پشت
ورق هفتم ده سطر بشمارد و نظر کند بسطر
یازدهم که در انجا امری بر او ظاهر خواهد شد
در ان مطلبی که برای ان گشوده پس مصحف را
بهم میکذارد و بار دیگر برای حاجت خود قصد

میکند و مصحف مجید را میگشاید و بهمان نحو
که مذکور شد عمل میکند تا حاجت او ظاهر شود
و سید ابن طاوس قدس سره نیز همین عمل را مرسل
نقل کرده و گفته است که در کتب اصحاب ما دیده ام
و این اختمال استخاره و فال هر دو دارد دویم
استخاره جلاله مشهور است که قران را بگشاید
و در صفحه دست راست نظر کند و عدد لفظ
الله هرچه باشد بشمارد و بعد از ان از طرف
چپ ورق بشمارد و بعد از ان بهمان عدد
از صفحه دست چپ سطر بشمارد و آنچه ان
سطر آخر ظاهر شود عمل کند و اگر در مرتبه اول

استخاره لفظ جلاله در صفحه اول نباشد
بار دیگر نیت کند و بگشاید تا جلاله ظاهر شود
و این طریق را اگر چه از سید ابن طاوس نقل
میکنند اما در کتاب او نیست و در غیر آن از
کتب معتبره فقه و دعا بنظر فقیر نرسیده ولیکن
بخط یکی از فضلای بحرین دیدم که نوشته بود
که دیدم در یکی از تالیفات علمای امامیه رضوان
الله علیهم که مرسلا از حضرت صادق علیه
السلم روایت کرده بود که آنحضرت فرمود که
گاه بر احدی از شما کار تنگ شود مصحف را
بدست گیرد و عزم کند بر عمل کردن بانچه

ظاهر شود بر او از جانب حق تعالی پس سوره
حمد و سوره قل هو الله احد و آیة الکرسی و
آیه و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو و یعلم
ما فی البر و البحر و ما تسقط من ورقة الا یعلمها
و لا حبة فی ظلمات الارض و لا رطب و لا
یابس الا فی کتاب مبین و سوره انا انزلناه و سوره
قل یا ایها الکافرون و سوره قل اعوذ برب
الفلق و سوره قل اعوذ برب الناس هر یک از
اینها را سه مرتبه بخواند پس متوجه شود بقران
مجید و بگوید اللهم انی اتوجه الیک بالقران
العظیم من فاتحته الی خاتمته و فیه اسمک

الاکبر وکلماتک التامات یا سامع کل صوت
ویا جامع کل فوت ویا باریء النفوس بعد الموت
یا من لا تغشاه الظلمات ولا تشتبه علیه
الاصوات اسألک ان تخیر لی بما اشکل علی
به فانک عالم بکل معلوم غیر معلم بحق
محمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین وعلی
ابن الحسین ومحمد الباقر وجعفر الصادق
وموسی الکاظم وعلی الرضا ومحمد الجواد و
علی الهادی والحسن العسکری والخلف الحجة
من آل محمد علیه وعلیهم السلام پس مصحف را
بگشاید وجلالات صفحه راست را شمارد

وبعد دان اوراق از جانب چپ بشمارد پس بعد از
آن از صفحه دست چپ بهمان عدد سطر شمارد
پس بسطر آخر نظر کند که آن بمنزله وحی است
در مطلبی که دارد انشاء الله تعالی و بخط
بعضی از فضلا همین استخاره باین طریق بنظر
رسیده که آیة الکرسی تا هم فیها خالدون وآیه
وعنده مفاتح الغیب تا کتاب مبین بخواند و
ده مرتبه صلوات بر محمد وآل محمد بفرستد پس
این دعا بخواند اللهم انی توکلت علیک وتفألت
بکتابک فارنی ما هو المکنون فی سرک المخزون
فی علم غیبک برحمتک یا ارحم الراحمین اللهم

اَرِنِی الْحَقَّ حَقًّا حَتّٰی اَتَّبِعَهُ وَاَرِنِی الْبَاطِلَ بَاطِلًا
حَتّٰی اَجْتَنِبَهُ **بعد ازان** مصحف را میکشاید و بهمان
نحو که مذکور شد عمل میکند و در تالیف بعضی
از فضلا بهمین نحو نقل کرده است اما در دعا
چنین است المخزون فی غیبک یا ذا الجلال
والاکرام اللهم انت الحق ومنزل الحق بمحمد
صلی الله علیه وآله اللهم ارنی الحق حقا
حتی اتبعه وارنی الباطل باطلا حتی اجتنبه
یا ارحم الراحمین **سیم** انست که سید رضی الله
عنه در فتح الابواب ذکر کرده است که از بدر بن
یعقوب اعجمی رضوان الله علیه در روضه خازن

کاظمین صلوات الله علیهما شنیدم که گفت
مصحف را بر میداری **و میگوئی** اللهم ان کان فی
قضائک وقدرک ان تمن علی امة نبیک
بظهور ولیک وابن بنت نبیک فعجل ذلک
وسهله ویسره وکمله واخرج لی آیة استدل
بها علی امر فأتمر او نهی فانتهی فی عافیة
واگر تواند حاجت خود را بگوید پس هفت ورق
بگرداند پس از روی دویم ورق هفتم هفت سطر
بشمارد و در سطر هفتم تفال کند برای مطلب
خود **چهارم** انست که باز سید رحمه الله از
شیخ بدر مذکور روایت کرده است که بعد از

خواندن دعای که مذکور شد مصحف را بکشاید
و هفت ورق بکرداند و از صفحهٔ دویم ورق
هفتم و صفحهٔ اول ورق هشتم عدد جلاله
انچه باشد بشمارد و در سطر اخر انچه بر او
ظاهر شود عمل کند **پنجم از سید رضی الله عنه**
از شیخ بدر مذکور رحمه الله روایت کرده است
که دعای سابق را بخواند و مصحف شریف را بکشاید
و هشت ورق بعد از ان بشمارد و از صفحهٔ
اول ورق هشتم ده سطر بشمارد و بسطر یازدهم
تفال کند **مولف گوید** که اقسام طریق دویم
استخاره مصحف هیچیک مستند معقولی ندارد

خصوصا سه قسم اخر که هیچیک را بمعصومین
علیهم السلام نسبت نداده اند و چون در بعضی
از این استخارات وارد شده است که بعد از
نماز حضرت جعفر علیه السلام بعمل اورند
مناسبست که مختصری از کیفیت ان مذکور شود
بدانکه مشهورترین طرقش انست که چهار رکعت
بکند بدو سلام و در رکعت اول بعد از فاتحه
سوره اذا زلزلت و در دویم سوره عادیات
و در سیم اذا جاء نصر الله و در چهارم قل هو الله
احد بخواند و در هر رکعت بعد از فراغ از
قراءت پانزده مرتبه **بگوید** سبحان الله و الحمد

لله و لا اله الا الله و الله اکبر پس در رکوع
و سر برداشتن ازان و در سجود اول و بعد از
سر برداشتن و در سجده دویم و بعد از سر
برداشتن در هر یک ده مرتبه این تسبیحات را
بخواند و اگر در سجده اخر بعد از تسبیحات این
دعا را بخواند بهتر است سبحان من لبس العز
و الوقار سبحان من تعطف بالمجد و تکرم
به سبحان من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان
من احصی کل شیء علمه سبحان ذی المن
و النعم سبحان ذی القدرة و الکرم سبحان
ذی العزة و الفضل سبحان ذی القوة و الطول

اللهم انی اسالک بمعاقد العز من عرشک
و منتهی الرحمة من کتابک و اسمک الاعظم
الاعلی و کلماتک التامة التی تمت صدقا
و عدلا ان تصلی علی محمد و آل محمد پس حاجت
خود را بطلبد و اگر نتواند بگوید و ان تقضی
لی حاجتی و بعد از سلام بگوید یا رب یا رب بقدر
انکه یکنفس وفا کند و باز یا رباه یا رباه بهمان قدر
و باز یا رب یا رب بهمان قدر و باز یا الله یا الله
بهمان قدر و باز یا رحیم یا رحیم بهمان قدر پس هفت
مرتبه یا رحمن یا رحمن پس هفت مرتبه یا ارحم الراحمین
پس بگوید اللهم انی افتتح القول بحمدک

وانطق بالثناء علیك وامجدك ولا غاية
لمجدك واثنى عليك ومن يبلغ غاية ثنائك
وامدح مجدك واى لخليقتك كنه معرفة
مجدك واى زمن لم تكن ممدوحا بفضلك
موصوفا بمجدك عوادا على المذنبين بحلمك
تخلف سكان ارضك عن طاعتك فكنت
عليهم عطوفا بجودك جوادا بفضلك عوادا
بكرمك يا لا اله الا انت المنان ذوالجلال
والاكرام واگر آن سورها را اند هر سوره
که بخواند خوبست واین دعاها نیز شرط نماز
نیستند بلکه از مکملات نمازند وسایر آداب

وادعیه را در ربیع الاسابیع ذکر کرده ایم
وچون راوی آن استخاره واین دعا هر دو مفضل بن
عمر است دور نیست که دعای که در حدیث
استخاره وارد شده اشاره باین دعا باشد
لهذا این دعا را در اینجا اختیار کردیم مفتاح
النجح در بیان استخاره بتسبیح است علامه حلی
قدس الله روحه در کتاب منهاج الصلاح از یکی
بزرگوار خود سدید الدین یوسف رحمه الله
روایت کرده است که او از سید جلیل رضی
الدین محمد آوی روایت کرده است واو از
حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه

روایت کرده که چون در امری کسی خواهد
استخاره کند سورهٔ فاتحه را ده مرتبه میخواند و
بسه مرتبه و بیک مرتبه نیز اکتفا میتواند کرد
پس ده مرتبه سورهٔ انا انزلناه را میخواند پس
این دعا را سه مرتبه میخواند اللهم انی استخیرک
لعلمک بعواقب الامور واستشیرک لحسن
ظنی بک فی المأمول والمحذور اللهم ان کان
الامر الفلانی مما قد نیطت بالبرکة اعجازه
وبوادیه وحفت بالکرامة ایامه ولیالیه
فخر لی فیه خیرة ترد شموسه ذلولا وتقعض
ایامه سرورا اللهم اما امر فأتمر واما

نهی فانتهی اللهم انی استخیرک برحمتک خیرة
فی عافیة پس قصد میکند که اگر این امر برای من
خوب است طاق می آید و اگر بد است جفت می آید
یا بر عکس پس قطعه از تسبیح را میگیرد و میشمارد
تا معلوم شود که طاق است یا جفت است وسید
قدس سره در فتح الابواب گفته است که یافتم
بخط برادر صالح پسندیده محمد ابن محمد حسینی
اوی خدا سعادتش را مضاعف گرداند و مشرف
گرداند خاتمهٔ او را که روایت رسیده است
از حضرت صادق علیه السلام که هر که خواهد
طلب خیر خود از خدا بکند پس سورهٔ حمد و

انا انزلناه را هر یك ده مرتبه بخواند پس سه
مرتبه این دعا را بخواند و آن دعای سابق
ذکر کرده است پس گفته است که کفی از سنك
ریزه یا تسبیح بگیرد و سید گفته است که مراد
آنست که قصد کند که اگر طاق باشد بکن و
اگر جفت باشد مکن پس باز سید گفته است که
بعضی از اصحاب ما حدیث مرسلی نقل کرده است
در صفت قرعه بتسبیح که سوره حمد را یکمرتبه
و سوره انا انزلناه را یازده مرتبه بخواند پس
این دعا که گذشت بخواند و رفیقی بهم رساند
و بخود کردن او نکردن او یا بر عکس بخاطر بگذراند

پس دو رقعه بنویسد یکی باسم خود و دیگری
باسم رفیقش و در جائی بگذارد و دست کند
و بدر آورد اسم هر یك که بدر آید بخاطر گرفته
او عمل کند طریق دیگر شیخ یوسف بن حسین
از خط شیخ شهید قدس الله روحهما روایت
کرده است که صد مرتبه سوره انا انزلناه میخوانی
پس میگوئی اللهم انی استخیرك لعلمك بعاقبة
الامور واستشیرك بحسن ظنی بك فی المأمول
والمحذور اللهم ان کان الامر الذی عزمت
علیه مما قد نیطت البرکة باعجازه وبوادیه
وحفت بالکرامة ایامه ولیالیه فاسألك

بمحمدٍ وعليٍ وفاطمةَ والحسنِ والحسينِ و
عليٍ ومحمدٍ وجعفرٍ وموسى وعليٍ ومحمدٍ وعليٍ
والحسنِ والحجةِ القائمِ عليهم السلام ان
تصلي على محمدٍ وعليهم اجمعين وان تخير لي
فيه خيرةً ترد شموسه ذلولاً وتقيض ايامه
سروراً اللهم ان كان امراً فاجعله في قبضة
الفرد وان كان نهياً فاجعله في قبضة الزوج
پس تسبیح را میگیری وعمل میکنی بانچه می اید
یعنی اگر یك میماند عمل میکنی واگر دو میماند
ترك میکنی **مؤلف گوید** که عبارت سید اجمالی
دارد فقیر از عبارت او چنین میفهمم والله یعلم

وبدانکه ظاهر روایات انست که از سنك ریزه
چند یا دانه تسبیح چند دست کند ومشتی
بردارد وبشمارد نه بروشی که متعارفست و
بعضی از مشایخ ما رضوان الله علیهم تسبیح
منظوم را در میان کف میگرفتند ودانها که
در میان کف واقع میشد میشمردند که طاقست
یا جفت **واین** نوع نیز بار وایت فی الجملة انطباق
دارد **اما** انچه دست بدست از اکثر مشایخ
دیده وشنیده ایم همان روش متعارفست که
بانگشت میان تسبیح را بگیرند واگر حمد وانا
انزلناه وان دعا را بیکی از ان عددها که در

روایات مذکوره شد بخواند ونیت کند وتسبیح را
بگیرد ودونا دونا بشمارد واگر یک بماند عمل
کند واگر دو بماند ترک کند ظاهرا بد نباشد
ووالد مرحوم فقیر از شیخ عظیم الشان شیخ
بهاء الدین محمد علیهما الرحمة والرضوان
نقل میفرمود که ما دست بدست از مشایخ خود
شنیده ایم که از حضرت صاحب الامر صلوات
الله علیه روایت میکردند در طریق استخاره
تسبیح که سه مرتبه صلوات بر محمد وال محمد
بفرستند وتسبیح را بگیرند و دونا دونا بشمارند
اگر طاق میماند خوبست واگر جفت میماند

بد است ووالد مبرور رحمه الله باین روش اکثر
اوقات در اموری که در ان استعجالی بود استخاره
میکردند وطریق دیگر درمیان عوام شهرت دارد
که سه تا سه تا بشمارند واگر یک بماند خوبست
ودو وسط است وسه بد است واین طریق در کتب
مشهوره بنظر فقیر نرسیده ولیکن یکی از فضلای
بحرین از کتاب السعادات از حضرت صادق علیه
السلام روایت کرده است که حمد را یکمرتبه و سوره
قل هو الله را سه مرتبه بخواند و پانزده مرتبه
صلوات بر محمد وال محمد بفرستد پس بگوید
اللهم انی اسألک بحق الحسین وجده وابیه

وامّه واخيه والائمّة من ذرّيّته ان تصلّي على
محمّد وآل محمّد وان تجعل لي الخيرة في هذا
السّبحة وان تريني ما هو الاصلح لي في الدّين
والدّنيا اللّهمّ ان كان الاصلح في ديني و
دنياي وعاجل امري وآجله فعل ما انا عازم
فأمرني والّا فانهني فانّك على كلّ شيءٍ قديرٌ
پس قبضه از تسبیح میگیری و میشماری و میگوئی
سبحان الله والحمد لله ولا اله الّا الله تا آن
قبضه تمام شود اگر آخرش سبحان الله باشد مخیری
میان کردن و نکردن و اگر الحمد لله باشد امر است
و اگر لا اله الّا الله باشد نهی است مفتاح ششم

استخاره بر قاعدا است و سید ابن طاوس و اکثر
محدثین علما رحمة الله علیهم این نوع را بهتر این
استخارات میدانند و در کتاب احتجاج منقول است
که حمیری عریضه نوشت بخدمت حضرت صاحب
علیه السّلم و پرسید که اگر کسی در امری مردد
شود میان کردن و نکردن و دو انگشتر بگیرد
و بر یکی بنویسد بکن و بر دیگری مکن پس هر دو را
پنهان کند و چندین مرتبه طلب خیر خود از
حق تعالی بکند پس یکی از انها را بیرون آورد
و بان عمل کند آیا حکم استخاره دارد حضرت
در جواب نوشتند که آنچه عالم اهل بیت علیهم

السلام در باب استخاره مقرر فرموده نماز کردن
و رقعها نوشتن است یعنی چنان باید کرد مؤلف
گوید که این نوع از استخاره بچند طریق وارد شده
اول انست که کلینی و شیخ طوسی و سید و دیگران
رضوان الله علیهم بسندهای معتبر از هرون
بن خارجه روایت کرده اند که حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه فرمود که هرگاه امری را
اراده کنی شش رقعه کاغذ بگیر و در سه تای
انها بنویس بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله
العزیز الحکیم لفلان بن فلانة افعله و در سه
رقعه دیگر بنویس بسم الله الرحمن الرحیم خیرة

من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة لا تفعل
پس ان رقعها را در زیر مصلای خود بگذار و
دو رکعت نماز بکن و چون فارغ شوی برو بسجده
و صد مرتبه بگو استخیر الله برحمته خیرة فی
عافیة پس درست بنشین و بگو اللهم خر لی و
اختر لی فی جمیع اموری فی یسر منک و عافیة
پس دست بزن و رقعها را مشوش کن یعنی بیکدیگر
مخلوط گردان و یک یک از انها را بیرون اور
و ملاحظه کن اگر سه افعل پیاپی در اید پس
بکن ان کار را که اراده کرده و اگر سه لا تفعل
پیاپی بیرون اید پس مکن ان کار را و اگر بعضی

افعل وبعضی لاتفعل برآید تا پنج رقعه بیرون
آورد اگر افعل بیشتر است ترک کن واحتیاج
نیست بیرون آوردن رقعه ششم **مؤلف گوید** که
بجای فلان بن فلانة در هر دو جا اسم خود و مادر
خود را مینویسد **وبدانکه** غسل درین روایت
وارد نشده است وبعضی از علما درین استخاره
ذکر کرده اند باعتبار اینکه در استخاره مطلقه
که در محل خود ذکر کردیم واقع شده است و
شاید بد نباشد وورود غسل در نمازهای
حاجت نیز شاید مؤید تواند شد واگر قصد
زیارت ائمه علیهم السلم نیز دران غسل بکنند

شاید

شاید احوط باشد **وایضا** تعیین سوره درین
نماز وارد نشده است وبعضی سوره حشر و
سوره رحمانرا ذکر کرده اند باعتبار آنکه در
نوع دیگر استخاره وارد شده است وشاید بد
نباشد واگر در هر رکعت سه مرتبه قل هو الله
بخوانند **چنانچه** بعد ازین مذکور میشود ایضا
بد نیست وظاهرا هر سوره که بخوانند خوبست و
آنچه در روایت واقع شده است که اگر در هم
درآید افعل ولاتفعل باید پنج تا بیرون آورند
اشکالی دارد زیرا که در بعضی از صور احتیاج
نمیشود به بیرون آوردن پنجم مثل آنکه اول یک

لا تفعل در اید و بعد از ان سه افعل یا برعکس یا
انکه دو افعل بر اید و یک لا تفعل و یک افعل
یا برعکس و دور نیست که مراد ان باشد که احتیاج
بیرون اوردن ششم هرگز نمیشود که احتیاج
پنجم نیز در بعضی از شقوق نشود و احتمال
دارد که در همه صور پنجم را باید بیرون اورد
تعبدًا که فایده اش بر ما معلوم نباشد اما
بعید است **وایضا** باید دانست که اگر مختلف
بیرون اید و یکی بیشتر باشد از حدیث تفاوتی
در خوبی و بدی در میان صور ان ظاهر نمیشود
و بعضی از علما باعتبار رعایت زود بیرون

امدن هر یک یا توالی انها تفاوت در مراتب
خوبی و بدی قرار داده اند مثل انکه اگر سه
افعل در چهار رقعه بیرون اید بهتر است از
انکه در پنج رقعه بیرون اید و همچنین لا تفعل
در بدی و اگر دو افعل بیاید پیاپی و یک لا تفعل
و یک افعل بهتر است از انکه اول لا تفعل بیرون
اید و بعد از ان سه افعل و بر این قیاس سایر
شقوق نیکی و بدی معلوم میشود **دویم** انست
که سید رضی الله عنه از طریق عامه از ابن
مسعود روایت کرده است که او در استخاره این دعا
میخواند اللهم انک تعلم و لا اعلم و تقدر

ولا اقدر وانت علام الغیوب اللهم ان
علمك بما یكون كعلمك بما كان اللهم انی
قد عزمت علی كذا وكذا فان كان لی فیه خیرة
للدین والدنیا والعاجل والاجل فیسره
وسهله ووفقنی له ووفقه لی وان كان غیر
ذلك فامنعنی منه كیف شئت پس بسجده میرفت
وصد ویكمرتبه میگفت اللهم انی استخیرك
برحمتك خیرة فی عافیة پس در سه رقعه
مینوشت خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن
فلان افعل علی اسم الله وعونه ودر سه رقعه
دیکر مینوشت خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن

فلان لا تفعل والخیرة فیما یقضی الله ودر زیر
سجاده میگذاشت وچون از نماز ودعا فارغ میشد
یك یك از انها را بیرون می اورد وهر یك که پیشتر
بیرون می امد بانعمل میكرد مؤلف گوید که بجای علی
كذا وكذا حاجت خود را بعربی بگوید واگر نتواند
بگوید علی الامر الذی علمت وبجای فلان بن
فلان اسم خود وپدرش را بنویسد در همه رقعها
واین روایت اگرچه از طریق اهل سنت است اما
مؤید روایت اول است وعمل بروایت اول که
از طریق شیعه است اولی است واگر این دعا
نیز بخواند بد نیست سیما انست که با رسیده

الله از طرق مخالفان نقل کرده است از جابر بن
عبد الله انصاری که از اکابر صحابه است گفت
که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله ما را
تعلیم میکرد استخاره در امور را چنانچه تعلیم
مینمود بما سورهٔ قرآن را و میفرمود که هر گاه یکی
از شما اراده کاری بکند دو رکعت نماز بکند
غیر نمازهای واجب پس بگوید اللهم انی
استخیرک بعلمک واستقدرک بقدرتک
واسألک من فضلک العظیم فانک تقدر
ولا اقدر وتعلم ولا اعلم وانت علام الغیوب
اللهم ان کنت تعلم ان هذا الامر خیر لی

فی دینی ومعاشی وعاقبة امری فاقدره لی ویسره
لی ثم بارک لی فیه وان کنت تعلم ان هذا
الامر شر لی فی دینی ومعاشی وعاقبة امری
فاصرفه عنی واصرفنی عنه واقدر لی الخیر
حیث کان ثم رضنی به ابن سید گفته است
که بعضی از مشایخ ما رحمهم الله گفته است که
چون این نماز را بکند واین دعا را بخواند شش
رقعه از کاغذ قطع کند ودر سه تا افعل بنویسد
ودر سه تا لا تفعل بنویسد وبیکدیگر مخلوط
کرداند ودر میان استین خود بگذارد پس سه تا را
یکی یکی بدر آورد اگر همه افعل باشد آن کار را

بکند با طیب خاطر و اگر دو تا افعل باشد و یکی لا
تفعل باکی نیست که اثر ابکند اما پست تر است
از شق اول و اگر همه لا تفعل باشد نکند و اگر
دو تا لا تفعل باشد حذر کردن اولی است و
اکثر حکم کل دارد مترجم گوید که از فحوای اصل
حدیث ظاهر میشود که این نماز و دعا برای
مطلق طلب خیر است بدون آنکه عملی با آن
باشد و انعملی که رسید از بعض مشایخ نقل کرده است
جزو آن نیست و در روایت دیگر ندیده ام پس
بهتر آنست که بنحو اول بعمل آورند و اگر خواهند
این دعا را نیز بخوانند چهارم آنست که باز رسید

قدس سره در فتح الابواب گفته است که بمن
رسیده است از بعضی علما در کیفیت استخاره
که در سه رقعه بنویس بسم الله الرحمن الرحیم خیرة
من الله العزیز الحکیم افعل و در سه رقعه دیگر
بنویس بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز
الحکیم لا تفعل و رقعها را در زیر سجاده بگذار
و دو رکعت نماز بکن و در هر رکعت بعد از
سوره فاتحة الکتاب سه مرتبه سورة قل هو الله
احد بخواند پس سلام بگو و بگو اللهم انی استخیرک
بعلمک تا آخر دعا که مذکور شد پس بسجده برو
و صد مرتبه بگو استخیر الله العظیم پس سر از

سجده بردارد و پنج رقعه را بیرون آورد اگر افعل
سه تا باشد بکن که صلاح تو در آنست و اگر لا
تفعل سه تا باشد مکن که خیر تو در نکردنست
ان شاء الله بیم آنست که باز سید رضی الله عنه
از شیخ ابو الفتح کراجکی رحمة الله علیه نقل کرده است
و او بسند خود از هرون بن حماد روایت کرده است
که حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرگاه
امری اراده کنی شش رقعه بگیر و بر سه رقعه بنویس
بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم
و بروایت دیگر العلی الکریم لفلان بن فلان
افعل کذا ان شاء الله و نام خود را و پدر خود را

و ان کاری نخواهی بکنی بنویس و در رقعه دیگر
بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم
لفلان بن فلان لا تفعل کذا ان شاء الله و چهار
رکعت نماز بکن و در هر رکعت پنجاه مرتبه سورة
قل هو الله احد و سه مرتبه سورة انا انزلناه فی
لیلة القدر بخوان یعنی بعد از سوره حمد و رقعه‌ها را
در زیر سجاده خود بگذار پس این دعا را بخوان
بقدرتک تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر
وانت علام الغیوب اللهم بک فلا شیء
اعظم منک صل علی آدم صفوتک و محمد خیرتک
واهل بیته الطاهرین ومن بینهم من نبی و

صدیق و شهید و عبد صالح و ولی مخلص و
ملائکتک اجمعین و ان کان ما عزمت علیه
من الدخول فی سفری الی بلد کذا و کذا خیرة
لی فی البدؤ و العاقبة و رزق تیسر لی منه
فسهله و لا تعسره و خر لی فیه و ان کان غیره
فاصرفه عنی و بدلنی منه بما هو خیر منه
برحمتک یا ارحم الراحمین پس هفتاد مرتبه
بگو خیرة من الله العلی الکریم پس بسجده برو و
رو را بر خاک بگذار و حاجت خود را از خدا
بطلب و در روایت دیگر وارد شده است که
بعد از ان رقعها را بیرون اور بنحوی که در روایت

اوّل مذکور شد مولف گوید که این دعا در خصوص
اراده سفر است و اگر اراده امری دیگر داشته
باشد باید که بجای من الدخول فی سفری الی
بلد کذا و کذا ان حاجت را ذکر کند و اگر اراده
سفر باشد بجای الی بلد کذا و کذا ان سفر و ان
شهر را که اراده دارد ذکر کند و بر هر تقدیر
عمل بر روایت اول اظهر است و اگر خواهد این
دعا را نیز اضافه کند و سید ابن باقی رحمه الله
در مصباحش گفته است که در دست انکس که
استخاره میکند انگشتر عقیقی بوده باشد که در
ان نام محمد و علی نقش کرده باشند و بدست راست

رقعه‌ها را بدر آورد وبدانکه سید ابن طاوس رضی
الله عنه چون این استخاره را بهترین استخارات
میداند ومدارش بر عمل بر این استخاره بوده است
چند امر غریب از تجربه این استخاره نقل کرده است
اول انکه بعضی از ارباب مناصب دنیویه مرا
طلبید ومن در جانب غربی بغداد بودم و
بیست ودو روز در انجا ماندم وهر روز استخاره
کردم که او را ملاقات کنم وهمه استخارها
یا سه لاتفعل متوالی امد یا در چهار رقعه
سه لاتفعل امد وظاهر شد که خیر من در
ندیدن او بوده است وچنین اتفاقی نمیباشد

مگر از جانب خداوندی که عالم الخفیات است دوم
انکه در ایامی که در دار السلام بغداد اقامت
داشتم وارد شهر حله شدم وبعضی از اقارب
من تکلیف نمودمرا که بدیدن یکی از حکام
حله بروم وچنان اتفاق افتاد که یکماه در
حله ماندم وهر روز که اراده ملاقات او
میکردم در اول ان روز واخر ان روز استخاره
میکردم برای دیدن او ودر همه استخارات سه
لاتفعل می امد تا انکه پنجاه استخاره در عرض
ان مدت کردم ودر همه سه لاتفعل بیرون
امد ومعلوم شد که خیر من در ان بوده وعقل

باور میکند این را که پنجاه استخاره کسی برای یک
مطلب بکند و بر سبیل اتفاق بدون اراده
قادر علی الاطلاق همه بد بیاید **سیم** آنکه تا حال
تحریر این رساله پنجاه و سه سال از عمر من گذشته
است و تا حقیت استخاره بر من ظاهر شده است
پیوسته در امور خود استخاره کردم و در همه
آنها خیر خود را در آن یافته ام که استخاره مرا
بآن دلالت کرده است و همیشه سعادت دنیا
و عقبای خود را در آن یافته ام **مؤلف گوید**
که فقیر نیز در انواع استخارات تجربهای بسیار
کردم و از جمعی از برادران و صلحای خویشان

و آشنایان خود امور غریبه در این باب شنیده ام
خصوصاً این استخاره و استخاره بمصحف مجید
والله الموثق **مفتاح هفتم** در بیان استخاره
برقاع است بر خلاف طریق مشهور و آن چند
قسم است **اول** شیخ طبرسی رحمة الله علیه در
مکارم الاخلاق از عبد الرحمن ابن سیابه روایت
کرده است که در سالی رفتم بمکه معظمه و با خود
متاعی برده بودم و آن متاع در آن سال کساد
بود و کسی هم نرسید که بخرد بعضی از اصحاب ما
گفتند که متاع را بمصر بفرست و بکوفه بر مگردان
و بعضی گفتند که بیمن بفرست پس رفتم بخدمت

حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بعد از
انکه از منی بمکه مراجعت کرده بودیم واحوال
خود را عرض کردم و پرسیدم که شما چه میفرمایید
حضرت فرمود که قرعه بزن میان مصر و یمن
وتفویض کن امر خود را بخدا واسم هر شهر که بیرون
اید متاع خود را بانجا بفرست کفتم فدای تو
شوم چکونه قرعه بزنم فرمود که در یك رقعه
بنویس بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انت الله
لا اله الا انت عالم الغیب والشهادة انت
العالم وانا المتعلم فانظر لی فی ای الامرین
خیر لی حتی اتوکل علیك فیه وفاعمل به پس

بنویس مصر انشاء الله پس در رقعه دیکر همان
دعا را بنویس پس بنویس الیمن انشاء الله پس
در رقعه سیم باز همان دعا را بنویس وبعد از
ان بنویس یحبس المتاع ولا یبعث الی بلد منهما
یعنی حبس کنم متاع را وبهیچیك از ان دو شهر
نفرستم پس رقعها را جمع کن ویکی از برادران
مؤمن خود بده که در جای پنهان کند از تو پس
دست خود را در انجا داخل کن وهریك از ان
رقعها که بدست بی اید بیرون بیاور و بر خدا
توکل کن وبانچه در ان رقعه هست عمل کن که
انشاء الله خیر تو در انست وسید نیز این عمل را

بسند حسن معتبر از عبد الرحمن روایت کرده است
مترجم گوید که این عمل خوبیست و اعتبار سندش
کمتر از ذات الرقاع مشهور نیست و میتوان بود
که عمومات احادیث قرعه شامل این بوده باشد
زیرا که احادیث بسیار وارد شده است که در
هر امر مشکلی قرعه باید انداخت و وارد شده است
که هر قومی امر خود را بخدا تفویض کنند البته
سهم حق بیرون می آید خصوصا در امری که رایها
در آن مختلف شده باشد دویم سید رضی الله عنه
از حضرت باقر یا صادق صلوات الله علیهما
روایت کرده است که کسی که خواهد استخاره

بمساهمه بکند یعنی بقرعه در سه رقعه اینها را
بنویسد اللهم یا فاطر السموات والارض
عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم انت تحکم
بین عبادك فیما کانوا فیه یختلفون
اسالك بحق محمد وال محمد وان تصلی علی
محمد وال محمد وان تخرج لی خیرة فی دینی و
دنیای وعاقبة امری وعاجله واجله انك
علی کل شیء قدیر ما شاء الله لا حول ولا
قوة الا بالله صلی الله علی محمد واله پس مطلب
خود را در دو رقعه بنویسد اگر دو شق باشد
واگر نه یکی را کردن و یکی را نکردن بنویسد

و دیگر برا بیرون نا و دیدبان عمل کند مفتاح هشتم

در بیان استخاره ببنادق است و آن چندین

طریق منقول است اول آنست که سید رضی الله

عنه در فتح الابواب و ابن العکبری رحمه الله

در مجموع الدعوات روایت کرده اند از احمد بن

محمد بن یحیی که گفت بعضی از دوستان ما اراده

کرد که از برای تجارت بیرون رود پس گفت بیرون

نمیروم تا بروم بخدمت حضرت امام جعفر صادق

مفتاح هشتم

صلوات

صلوات الله علیه و بر او سلام کنم و در کار

خود از او مشورت کنم و استدعاء دعا از

آنحضرت کنم پس بخدمت آنجناب رفت و عرض

کرد که من اراده دارم که برای تجارت

بیرون بروم و سوگند یاد کرده ام که بیرون نروم

تا بخدمت شما برسم و با شما مشورت کنم و طلب

دعا از خدمت شما بکنم حضرت برای او دعا

کردند و فرمودند که بر تو باد براستگوئی و عیب

متاع خود را در تجارت پنهان مکن و کسی را

که امیدوار احسان خود کرده باشی مغبون

مگردان که آن دریکی مانند سود گرفتن است

واز برای مردم مپسند مگر چیزیرا که برای خود
می پسندی و حق بده و حق بگیر و مترس و اندوهناک
مباش از کمی روزی بدرستیکه تاجر راستگو
با ملائکه نیکوکار کرامی نزد پروردگار در قیامت
محشور میشود و اجتناب کن از سوگند یاد کردن
در خرید و فروش زیرا که سوگند دروغ صاحبش را
باتش جهنم میبرد و هر تاجر بدکردار و فاجر است
مگر انکه زیاد از حق خود نگیرد و حق مردم را
تمام بدهد و هر گاه عزم کنی بر سفری یا حاجت
ضروری که اهتمام بشان ان داشته باشی
دعا بسیار بکن و استخاره بکن بدرستی که خبر

داد مرا پدرم از پدرش از جدش که حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و اله استخاره را باصحاب
خود تعلیم میکرد چنانچه سورهٔ قرآن را و ما
استخاره را بعمل می اوریم هر وقت که اراده
کنیم امری را و رقعه چند برای استخاره میگیریم
و موافق انچه بیرون می اید عمل میکنیم خواه
موافق خواهش ما باشد و خواه نباشد پس انمرد
گفت ای مولای من ان استخاره را بمن تعلیم نما
که چگونه بعمل اورم فرمود که چون ارادهٔ استخاره
نمائی وضوی کامل بساز یعنی با اداب و ادعیه
مستحبه و دو رکعت نماز بکن و در هر رکعت سوره

حمد و صد مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوان
و بعد از سلام نماز دستهای خود را بدعا بردارد
و بگو یا کاشف الکرب و مفرج الهم و مذهب
الغم و مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها یا من یفزع
الخلق الیه فی حوائجهم و مهماتهم و امورهم
و یتکلون علیه امرت بالدعاء و ضمنت
الاجابة اللهم فصل علی محمد و آل محمد و ابدأ
بهم فی کل امر و افرج همی و نفس کربی
و اذهب غمی و اکشف لی عن الامر الذی قد
التبس علی و خر لی فی جمیع اموری خیرة فی
عافیة فانی استخیرک اللهم بعلمک و استقدرک

بقدرتك و اسألك من فضلك و الجأ الیك
فی کل اموری و ابرأ من الحول و القوة الا
بك و اتوکل علیك و انت حسبی و نعم الوکیل
اللهم فافتح لی ابواب رزقك و سهلها لی و
یسر لی جمیع اموری فانك تقدر و لا اقدر و
تعلم و لا اعلم و انت علام الغیوب اللهم
ان کنت تعلم ان الامر الذی عزمت علیه
و اردته هو خیر لی فی دینی و دنیای و معاشی
و معادی و عاقبة اموری فقدره لی و
عجله علی و سهله و یسره و بارك لی فیه
و ان کنت تعلم انه غیر نافع لی فی العاجل

والاجل بل هو شرّ علی فاصرفه عنی واصرفنی
عنه کیف شئت وانّی شئت وقدّر لی الخیر
حیث کان واین کان ورضّنی یارب بقضائک
وبارک لی فی قدرک حتی لا احبّ تعجیل ما
اخرت ولا تاخیر ما عجّلت انک علی کل شیء
قدیر وهو علیک یسیر پس بسیار صلوات
فرستد بر محمد وآل محمد وباید که سه دفعه با خود
داشته باشی همه بیک مقدار ویک هیئت و
در دو دفعه این دعا را بنویس اللهم فاطر السموات
والارض عالم الغیب والشهادة انت تحکم
بین عبادک فیما کانوا فیه یختلفون اللهم

انک تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر وتمضی
ولا امضی وانت علام الغیوب صل علی محمد
وآل محمد واخرج لی احب السهمین الیک
وخیرهما لی فی دینی ودنیای وعاقبة امری
انک علی کل شیء قدیر وهو علیک یسیر
ودر پشت یکی از دو دفعه افعل بنویس ودر پشت
دیگری لا تفعل ودر دفعه سیم این را بنویس
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم استعنت
بالله وتوکلت علیه وهو حسبی ونعم الوکیل
توکلت فی جمیع اموری علی الله الحی الذی
لا یموت واعتصمت بذی العزة والجبروت

وتحصنت بذی الحول والطول والملکوت
وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین
وصلی الله علی محمد النبی وآله الطاهرین
ودر پشت این رقعه را سفید بکذار و چیزی بر آن
منویس و هر سه رقعه را محکم بپیچ بر یک هیئت
و یک صورت و در میان بندقه بکذار از موم یا
از کل بر یک هیئت و یک وزن و بده بکسی که
اعتماد بر او داشته باشی از برادران مؤمن و
بکو که خدا را یاد کند و صلوات بر محمد و آل
محمد بفرستد و آن بندقهارا در میان آستین
خود بیندازد و دست راست خود را در میان

آستین

آستین خود داخل کند و آن بندقهارا حرکت
دهد و یکی از آنهارا در آورد بدون آنکه آنها را
نظر کند و یکی را بخصوص تعیین کند ولیکن
دستش بر هر یک از آنها که واقع شود بیرون
آورد و چون بیرون آورد تو آن را بکیر و خط آن را
یاد کن وازا بکشا و پشتش را بخوان و عمل
کن بآنچه در پشت آن نوشته شده است
کسی که بر او اعتماد داشته باشی حاضر نباشد
خود در میان آستین بیندازد و آنچه مذکور
شد بعمل آورد پس اکر آنچه افعل بر آن نوشته
شده است بیرون آید البته آن کار را بکن

که خیر تو در آنست ان شاء الله و اگر آنچه بر آن
لا تفعل نوشته شده است بیرون آید زنهار
آن عمل میاور و البته مخالفت این استخاره
مکن که آزار میکشی و اگر رقعه بیرون آید که چیزی
بر پشتش نوشته نشده است پس توقف کن
تا وقت نماز فریضه حاضر شود پس برخیز و
دو رکعت نماز چنانچه مذکور شد بکن پیش
نماز واجب بکن یا آن دو رکعت را بعد از
نماز واجب بکن اگر نماز صبح و عصر نباشد
و اگر نماز صبح باشد باید که بعد از آن تعقیب
و دعا بخوانی تا آفتاب پهن شود پس بعد از آن

آن دو رکعت

آن دو رکعت را بجا آور و اگر نماز عصر باشد
آن دو رکعت را پیش از نماز عصر بکن و بعد آن
نماز عصر آن دعاها را بخوان و بار دیگر آن
عمل را اعاده کن و اگر باز رقعه نانوشته
بیرون آید باز در وقت فریضه دیگر همان
عمل را اعاده کن تا یکی از رقعهای نوشته بیرون
آید **مؤلف گوید** که ظاهر روایات آنست که نوشتن
رقعها و پیچیدن و در میان بندقه گذاشتن
همه بعد از نماز و خواندن دعا باشد و بریدن
رقعها پیش باشد و احتمال دارد که تا بندقه
کردن قبل از نماز باشد و دور نیست که اول

اولی باشد دویم آنست که کلینی و شیخ و سید
رضی الله عنهم و دیگران بسند مرسل از
یکی از ائمه صلوات الله علیهم روایت کرده اند
که شخصی از اصحاب آنحضرت پرسید که امری را
میخواهم بعمل آورم و کسی را نمییابم که با او مشورت
کنم چکنم حضرت فرمود که با پروردگار خود
مشورت کن پرسید که چگونه مشورت کنم
فرمود که آن حاجت را در خاطر خود قصد کن
و دو رقعه بگیر و در یکی لا بنویس و در دیگری
نعم و هر یک را در میان بندقه از گل بگذار پس
دو رکعت نماز بکن و آن دو بندقه را در زیر

دامن خود بگذار و بگو یا الله انی اشاورک فی
امری هذا و انت خیر مستشار و مشیر فاشر
علی بما فیه صلاح و حسن عاقبة پس دست
خود را در زیر دامن داخل کن و یکی از آن دو
بندقه را بیرون آور و بگشا اگر نعم باشد بکن
و اگر لا باشد مکن با خدا چنین مشورت باید کرد
سیم آنست که سید رضی الله عنه فرموده که در بعضی از
کتب شیعه یافتم که در دو رقعه مینویسی بسم الله
الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لعبده
لفلان ابن فلان و حاجت خود را مینویسی و یکی را
در آخرش مینویسی افعل یا مولای و دیگری را در

آخرش مینویسی که اتوقف یا مولای و هر یک از
دو رقعه را در میان گلوله از گل میگذاری
و بران میخوانی هر یک از سوره حمد و سوره قل
اعوذ برب الفلق و سوره والضحی را هفت مرتبه
و ظرف آبی در پیش خود میگذاری و بندقها را
در میان آب می اندازی پس هر یک که زودتر
از دیگری شکافته شود و بر روی آب آید بآن عمل
میکنی انشاء الله تعالی **چهارم است که از سید**
قدس الله روحه ذکر کرده است که یافتم بخط علی بن
یحیی حناط که نوشته بود که این استخاره مولای
ما امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب صلوات

الله علیه است در خاطر میگذرانی هر مطلبی که
داری و این استخاره را مینویسی در دو رقعه
و بر پشت یکی مینویسی افعل و در پشت دیگری
لا تفعل و در بندقها از گل میسازی و بر ازو
میسنجی که باهم برابر باشند و هر رقعه را در میان
بندقه میگذاری و در میان آب می اندازی و
هر یک که پیشتر بر روی آب می آید بآن عمل میکنی
والبته مخالفت مکن **و دعا که در رقعها باید نوشت**
اینست ما شاء الله کان اللهم انی استخیرک
خیار من فوض الیک امره و اسلم الیک
نفسه و استسلم الیک فی امره و خلا لک

وجهه وتوکل علیک فیما نزل به اللهم خر لی
ولا تخر علی وکن لی ولا تکن علی وانصرنی
ولا تنصر علی واعنی ولا تعن علی وامکنی
ولا تمکن منی واهدنی الی الخیر ولا تضلنی
وارضنی بقضائک وبارک لی فی قدرک انک
تفعل ما تشاء وتحکم ما ترید وانت علی کل
شیء قدیر اللهم ان کانت الخیرة فی امری
هذا فی دینی ودنیای وعاقبة امری فسهله
لی وان کان غیر ذلک فاصرفه عنی یا ارحم
الراحمین انک علی کل شیء قدیر پنجم انست
که ایضا سید رحمة الله علیه روایت کرده است

که از حضرت صاحب الزمان علیه السلم الزمان
ومسمی است باستخارهٔ مصریه وکیفیتش انست
که در دو رقعه بنویسد خیرة من الله ورسوله
لفلان بن فلانه ونام خود ومادرش را بنویسد
ودر یکی افعل ودر دیگری لا تفعل بنویسد
ودر میان دو بندقه از گل بگذارد ودر میان
قدح ابی هر دو را بیندازد پس وضو بسازد
ودو رکعت نماز بکند وبعد از نماز این دعا
بخواند اللهم انی استخیرک خیار من فوض
الیک امره واسلم الیک نفسه وتوکل
علیک فی امره واستسلم بک فیما نزل به من

امره اللهم خر لی علی واعنی و لا تعن علی و
مکنی و لا تمکن منی واهدنی للخیر و لا تضلنی
وارضنی بقضائک وبارک لی فی قدرک انک
تفعل ما تشاء و تعطی ما ترید اللهم ان
کانت الخیرة فی امری هذا و هو کذا و کذا و
بجای کذا و کذا مطلب خود را بگوید فمکنی
منه واقدرنی علیه وامرنی بفعله واوضح
لی طریق الهدایة الیه وان کان اللهم غیر
ذلک فاصرفه عنی الی الذی هو خیر لی منه
فانک تقدر و لا اقدر و تعلم و لا اعلم و
انت علام الغیوب یا ارحم الراحمین پس

بسجده رود و صد مرتبه بگوید استخیر الله خیرة
فی عافیة پس سر بر دارد و انتظار بکشد تا یکی از
ان رقعها از آب بیرون آید هر یک که پیشتر بیرون
آید با آن عمل کند یعنی اگر افعل بیرون آید آن کار را
بکند و اگر لا تفعل بیرون آید نکند ششم
باز سید رحمه الله از شیخ ابو الفتح کراجکی
که از اکابر علمای شیعه است روایت کرده
که دو رقعه بنویس در یکی افعل یعنی بکن و در
دیگری لا تفعل یعنی مکن و از دیده خود پنهان
کن در موضعی و نماز استخاره بکن و خیر خود را
از عالم الخفیات طلب کن و یکی از آنها را بیرون

او دو بان عمل کن مترجم گوید که این نوع استخاره
نیز از استخارهای معتبر است و بطرق بسیار
وارد شده است و دور نیست که عمومات قرعه
نیز شامل این طریق بوده باشد و هر یك از طرق
که مذکور شد عمل کردن خوبست خصوصا طریق
اول و اگر بعضی از دعاهای طرق دیگر را نیز
با آن ضم کنند بد نیست خاتمه در بیان بعضی
از امور نادره است و در آن چند فایده است
اول بخط شیخ سعید شهید محمد بن مکی حشره
الله تعالی مع الشهداء الاولین دیدم که هر گاه
شخصی در چاره امری متحیر باشد و نداند چه باید

کرد عمل کند باین خبر که در کتاب محمد بن جریر
طبری که مسمی است بکتاب آداب الحمیده دیدم
که روح الحرث از پدرش از جدش روایت کرده است
که فرزندان خود را وصیت کرد و گفت هر گاه
امر عظیمی احدی از شما را رو دهد یا حادثه
باعث غم او گردد باید که با وضو بخوابد در فراش
و لحاف طاهری و تنها بخوابد و پهلوی زنی
نخوابد و در وقت خوابیدن سوره و الشمس و
سوره و اللیل هر یك را هفت مرتبه بخواند پس
بگوید اللهم اجعل لی من امری هذا فرجا و مخرجا
پس شخصی بخواب او می آید در شب اول یا سیم یا پنجم

وگمان دارم که هفتم را نیز گفت وباو میگوید که
فرج از این غم ودلگیری والم در چه چیز است
انس که راوی حدیث است گفت مرا دردی عارض
شد وعلاجش را ندانستم پس این عمل را بجا آوردم
وچون بخواب رفتم دیدم دو کس نزدیک من پیدا شدند
ویکی نزد سر من نشست ودیگری نزد پاهای
من پس یکی بدیگری گفت تمام بدنش را دست
بمال واحساس مرض بکن پس چون دستش
بموضعی از سر من رسید گفت در اینجا حجامت بکن
ومتراش وسرپیشی یا چیزی بر آن بمال بچسبند نیز
بمن گفتا ویا هر دو که ضم کن با آن انجیر وزیتون را

چون بیدار شدم همان موضع را حجامت کردم
وصحت یافتم وجماعت بسیاری را تعلیم کردم
وبعمل آوردند وشفا یافتند وشیخ طبرسی رحمه الله
نیز در مکارم الاخلاق روایت کرده است که هر کرا
امری عارض شود که موجب هم او گردد وخواهد
چارهٔ خود را در آن کار بداند باید که در وقت
خواب سورهٔ والشمس وسورهٔ واللیل هر یک را
هفت مرتبه بخواند تا آنکه در خواب مردی را
ببیند که چارهٔ او را تعلیم او نماید وشیخ مفید
قدس الله روحه در کتاب اختصاص از حضرت
امام موسی علیه السلم بسند معتبر روایت

کرده است که هر که بسوی خدا حاجتی باشد و
خواهد که مارا در خواب ببیند و جای خود را
در آخرت بداند در سه شب با غسل بخوابد
و با خدا مناجات کند و بما متوسل شود و ما را
در درگاه خدا شفیع گرداند تا آنکه ما را در خواب
ببیند و بحاجت خود برسد **و شیخ محمد بن هرون**
تلعکبری رحمه الله در کتاب مجموع الدعوات
روایت کرده است که هر که خواهد حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله را در خواب
ببیند در شب جمعه بعد از نماز مغرب مشغول
نوافل گردد و با کسی سخن نگوید تا نماز خفتن را

بجا آورد و بعد از آن دو رکعت نماز بکند
و در هر رکعت بعد از سوره حمد سه مرتبه
سوره قل هو الله احد بخواند پس دو رکعت
دیگر نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد هفت
مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و بعد
سلام نماز بسجده رود و صلوات بر محمد و آل
محمد هفت مرتبه بفرستد و هفت مرتبه **بگوید**
سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله
اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله **پس** سر از
سجده بردارد و درست بنشیند و دستها را
بلند کند **و بگوید** یا حی یا قیوم یا ذا الجلال

والاکرام یا اله الاولین والاخرین یا رحمن
الدنیا والاخرة ورحیمهما یا رب یا رب
پس برخیزد و دستها را بلند کند و بگوید یا رب
یا رب یا رب یا عظیم الجلال یا عظیم الجلال
یا عظیم الجلال یا بدیع الکمال یا کریم الفعال
یا کثیر النوال یا دائم الافضال یا کبیر
یا متعال یا اول بلا مثال یا قیوم بغیر زوال
یا واحد بلا انتقال یا شدید المحال یا رازق
الخلائق علی کل حال ارنی وجه حبیبی و
حبیبک محمد صلی الله علیه واله فی منامی
یا ذا الجلال والاکرام پس رو بقبله بخوابد

بر دست راست و مشغول صلوات بر محمد و آل
محمد باشد تا بخواب رود که انشاء الله آنحضرت
را در خواب میبیند مؤلف گوید که در کتاب بحار
الانوار روایت اول را بطریق دیگر مبسوط تر
از آنچه مذکور شد روایت کردم و در این رساله
بمناسبت مذکور شد دویم از اخبار سابقه
معلوم شد که عمده استخاره آنست که آدمی
در امور دنیا و آخرت اعتماد بر عقل
ناقص خود نکند و باید که در جمیع امور توکل
بر جناب مقدس الهی کند و معترف باشد که
من بنده عاجز جاهل ضعیفم و خداوند کریم

رحیم عالم قادر مهربانی دلالم که اعرفت بصالح
من از من و از جمیع مخلوقات و امور خود را باو
کذاشته ام و خیر خود را از او میطلبم پس
توسل نماید بلطف و مرحمت خداوند کریم
با غسل و نماز و دعاها که در ابواب سابقه
کذشت پس شروع کند در ان کار و انچه رو
دهد بان راضی باشد و خیر خود را در ان
بداند هر چند موافق خواهش او نباشد و بعد
از ان استخاره با دل خود است چنانچه کذشت
و بعد از ان مشورت کردن با مؤمنان است
و بعد از ان استخاره برقاع و بنادق است یا

تفاؤل بقران مجید یا بتسبیح و ظاهر اهمه خوبست
اکرچه بعضی از علما صور اخیره را منع کرده اند
چنانچه سابق مذکور شد اما ظاهر انست
که غیر استخاره مطلقه که در باب اول ذکر کردیم
در جائی صورت دارد که ترددی در ان باشد
نه در امری که خیریت ان ظاهر از ادله معلوم باشد
و ترددی در ان نداشته باشد و نه در امور
مستحبه و واجبه که خوبی ان شرعا معلوم باشد
مکر انکه ترددی در انواع ان داشته باشد و
در امور واجبه مطلقا استخاره کردن صورت
ندارد بلکه مشروع نیست و همچنین در امر حرام

استخاره جایز نیست اما استخاره مطلقه در
همه امور خوبست مگر در امر حرام که در اینجا
مطلقا استخاره مشروع نیست چنانچه شیخ
مفید علیه الرحمة والرضوان در جواب مسایل
غریه فرموده است که هرگاه بنده مؤمن را در امری
خاطر خطور کند از مصالح دنیای او که در انها
مردد باشد مانند سفر کردن و اقامت نمودن
یا نکاح کردن یا برده خریدن و امثال اینها
سنت است که بدون استخاره متوجه ان اعمال
نشود و بعد از استخاره اگر یکی از انها نزد او را
جح گردد بان عمل کند و اگر هیچیک راجح نشود

توکل کند بر خدا و یکی از انها را بعمل اورد که انشا
الله خیر او در انست و سزاوار نیست استخاره در
امری که حق تعالی نهی از ان کرده است و از برای
کردن فعل واجبی استخاره نمیباشد و استخاره در
امور مباحه میباشد یا در میان دو امر سنت که
هر دو را با هم بعمل نتواند اورد مانند جهاد سنت
و حج سنت یا انکه مردد باشد میان زیارت دو
امام معصوم علیهم السلام یا میان صله دو برادر
مؤمن که هر دو را نتواند بعمل اورد و از این باب
امور رسیم بعضی از علما دغدغه کرده اند در
استخاره کردن از برای دیگری نیز اگه در روایاتی

کر سابقا مذکور شد در هیچ باب وکالت در استخاره
مذکور نبود و سید ابن طاوس رضی الله عنه تجویز
نموده و فرموده است که داخل است در عمومات
قضای حوایج مومنان و ایضا ممکن است که
استخاره کننده این را حاجت خود قرار دهد و
قصد کند که با و بگویم بکن خوبست یا نه و اگرچه
عمومات وکالت دور نیست که شامل استخاره
باشد اما احوط آنست که صاحب حاجت خود متوجه
استخاره شود زیرا که هر که اضطرارش بیشتر است
توسل او بجناب مقدس الهی بیشتر میباشد و اگر
فعل غیر در این باب قایم مقام فعل او میبود میبایست

با این احادیث بسیار که در این باب وارد شده است
در یک حدیث اشعاری باین بفرمایند و ایضا با آن
توجه و التفات و مرحمتی که ائمه ما صلوات الله
علیهم نسبت بموالیان و شیعیان خود داشتند
یکمرتبه برای یکی از ایشان استخاره بفرمایند و
با آن گستاخیها و بی ادبیها که قدویان و موالیان
ایشان نسبت بجناب ایشان میکردند در یک حدیث
مذکور شود که یکی از ایشان بر استدعا از خدمت
ایشان کرده باشند و بلکه جهت نوشتن فقیر این
رساله وافیه را این است که برادران ایمانی
بر اخبار و آثار ائمه طاهرین و پیشوایان دین

صلوات الله علیهم اجمعین که در این باب وارد
شده مطلع شوند و کیفیت انواع استخاره را
بدانند که بهر نحو که خواهند در حوایج خود با
ستخاره متوسل شوند و در همه امور اعتماد
بر پروردگار خود نمایند و بدانند که خداوند
بهیچ در فیض خود را بر روی بندگان گناهکار
نبسته و همه را در جمیع امور بدرگاه خود خوانده
و گناه عاصیان را مانع لطف و احسان خود
نکردانیده ملتمس از عمل کنندگان این رساله
آنکه این مجرم عاصی را در حال حیات و بعد از
وفات بدعای خیر یاد نمایند و بر سهو و خطا



که لازم غیر معصومین علیهم السلام است مؤاخذه
ننمایند و با تفرق و تشتت احوال و وفور اشغال در
چند شب از لیالی ماه مبارک رمضان سنه هزار
و صد و چهارده از هجری نوشته شد الحمد لله اولا
و آخرا والصلوة علی سید المرسلین محمد و عترته
المقدسین ولعنة الله علی
اعدائهم اجمعین الی
یوم الدین

